

سازش کاری و خیانت بورژوازی لیبرال نسبت به انقلاب، زلزله، نا پیگیری و توهما تخریب بورژوازی افشار میانی جامعه، فشار فزاینده و هیستریک ضد کمونیستی و انحصار طلبانه بخشهای زیادی از خرده- بورژوازی و مهمتر از همه ادامه بقای سلطه و حاکمیت امپریالیسم و جناح های وابسته به آن از یکسو و وجود شرایط متحول و انتقالی جامعه، رشد بی- سابقه جنبش کارگری و در عین حال پائین بودن سطح آگاهی کارگران، ضعف و تشتت سیاسی و سازمانی نیروهای م. ل. و عدم ارتباط آنان با جنبش طبقه کارگر از سوی دیگر، مجموعاً میتواند دلائل کافی و قانع کننده ای برای ضرورت هرچه بیشتر ایجاد حزب کمونیست ایران و در همین رابطه وحدت نیروهای مارکسیستی- لیننیستی بوده باشد.

اما روشن است که تمایل این نیروها برای وحدت، تا زمانی که برنامه و نقشه ای جهت تحقق این امر در دست نباشد و تا زمانی که این برنامه و نقشه مبتنی بر درک اصولی و مارکسیستی- لیننیستی از دیدگاه وحدت و پروسه تحقق آن نباشد، این تمایل و این خواست، علیرغم خوب بودن و قابل تأیید نبودنش، در همان سطح تمایلات و آرزوها باقی خواهد ماند و یا در صورت پیشرفتهای نسبی اولیه، بلافاصله به عقب نشینی و پس رفتاری منجر خواهد گردید که نه بفتح جنبش کمونیستی و حیثیت و اعتبار آن و نه بفتح جنبش توده ایست و در نهایت، آنچه که هرگز و صد البته بمقصد نمیرسد، امر وحدت خواهد بود.

بنابراین آنچه را که باید در اینجا و منبذ چه از سوی ما و چه از سوی دیگر نیروهای م. ل. تکیه شود، نه تأکید صرف بر روی ضرورت وحدت جنبش کمونیستی، بلکه اساساً دستیابی به آن دیدگاه و نقشه و برنامه ایست که بتواند بنحوی اصولی و به بیدردترین شکلی، بر این ضرورت پاسخ مسأله دهنده ما در ابتدا و در این شماره میگوئیم تا دیدگاهها و نظرات مختلفی را که تاکنون از سوی برخی از گروهها و تشکلهای سیاسی م. ل. مطرح شده، مورد نقد و بررسی قرار داده و آنگاه در شماره بعد دیدگاه و پلتفرم خود ما را درباره وحدت جنبش کمونیستی ارائه دهیم.



ایجاد حزب، وظیفه مرکزی و محوری کمونیستها را تشکیل میدهد. حزب به مثابه عالیترین سازمان و شکل سیاسی طبقه کارگر، در حقیقت بیان تشکلاتی و حاصل آمیزش سوسیالیسم علمی با جنبش خودبخودی طبقه کارگر است که بوسیله نیروهای آگاه کمونیستی بدون طبقه حمل میشود.

در اینجا نیز جای تردید نیست که استحکام سیاسی- ایدئولوژیک هر سازمان و گروه کمونیستی، بطور اصلی در جریان شرکت در پراکنج اجتماعی م. ل. است. شرکت در مبارزه طبقه کارگر صورت میگیرد و هرگونه مبارزه ایدئولوژیک نیز که میان نیروها و تشکلهای م. ل.، حول نقطه نظرات سیاسی- ایدئولوژیک و در خدمت وحدت سازمانی آنها جریان دارد، منبسط بر املیترین نیازهای جنبش طبقه کارگر و جنبش توده ای، نظارت داشته باشد.

تشکیل حزب در پروسه وحدت سیاسی- ایدئولوژیک و تشکلاتی نیروهای م. ل. از یک سو و ارتباط سیاسی- تشکلاتی و پیوند این نیروها با طبقه کارگر از سوی دیگر، امکان پذیر میشود. این حزب باید اول بخش عظیمی از نیروهای م. ل. را که ایدئولوژی و سیاست پرولتری را دارا هستند دربر گرفته و ثانیاً با این ایدئولوژی و سیاست پرولتری و تشکلات مستحکم، حداقل در میان بخشهای اساسی و مهم طبقه کارگر ریشه دوانیده باشد.

از مجموعه احکام درست فوق به هیچ وجه نباید این نتیجه حاصل شود که وحدت نیروی کمونیستی،

پیکار

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ - بهار: ۱۵ رباع

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تظاهرات اول ماه مه در شهرستانها

کارگران آبادانی بر پرچم خود نوشتند: سرمایه از خون و عرق کارگران درست شده است! آنها فریاد زدند: «امریکا، امریکا دشمن خلق مانی»

- ۱ - روز اول ماه مه روز اعلام جنگ کار علیه سرمایه (دانشوران مبارز)
- ۲ - مستحکم باد پیوند تمامی نیروهای انقلابی ما کارگران (دبیرستان فردوسی)
- ۳ - گرامی ساد خاطره اول مه خوین، سمنلهادات همه روزه کارگران جهان (دبیرستان صدبقره رضایی)
- ۴ - فصل العمال الا جانب و استبدال العمال و الموظفین الایرانیه معهم (کارگران پرورهای)
- ۵ - نرحمه : اخراج کارگران خارجی و استخدام کارگران و کارمندان ایرانی بجای آنها .
- ۶ - گشایش کارخانه ها ، پروژه های صنعتی و کشاورزی نسبه تمام جهت اشغال نکار با سرمایه های ملی، توسط کارشناسان ایرانی
- ۷ - عید واقعی کارگران نابودی کامل سرمایه داران است .
- ۸ - دشمن کارگر سرمایه داران ، سنگر کارگرسدیکا بقیه در صفحه ۳

روز اول ماه مه روز همسنگی جهانی کارگران زحرف کارگران پرورهای (فطلی) آبادان و حومه ما شکوه ویژه ای بر گذار شد . در این روز کارگران صبح نه راهیمائی پرداختند، در این راه پیمایشی که بیش از ۵ هزار معراز کارگران و آنها که به طبقه کارگر و آرمان او دلنشدند شرکت داشتند . عصر همان روز سیز مراسم باشکوهی راجب کارگران در محل سدیکای کارگران پرورهای برگزار شد . در این مراسم سیز حدود ۱۵ هزار نفر شرکت داشتند . در ریر گزارشی از این روز ما شکوه می آوریم :

راهیمائی کارگران پرورهای ایدرساعت ۵ صبح روزه شبه ۱۱ اردیبهشت در محل سدیکای کارگران پرورهای آغاز گردید . این راهیمائی مورد استقبال بی نظیر مردم آواده و مبارر آبادان قرار گرفت . در این راهیمائی دانش آموزان ، دانشویان ، فرهنگیان و کارکنان شرکت نعت نیز شرکت داشتند .

نوشته پلاکاردها و شعارهای گوناگونی که در این راه پیمایشی داده میشد ، عبارت بودند از :

تقسیم فلسطین :

فاجعه و نبرد

۱۵ ماه مه (۲۵ اردیبهشت) در تاریخ خلق فلسطین و کلیه خلقهای خاورمیانه ، روزی تلخ ریادآوری میکند . در چنین روزی ، بمسال ۱۹۴۸ تقسیم فلسطین عملی شد و دولت تجا و زگره نژاد پرست و صهیونیست اسرائیل در میان طوفانی از خشم و نفرت خلقهای نسبت به دشمنانشان ، و دریای از خون و آتش اعلام موجودیت نمود . توطئه امپریالیستهای انگلیسی برای تأسیس پایگاهی جنایتکارانه در قلب منطقه زرخیز و استراتژیک خاورمیانه که از اواخر قرن ۱۹ طرح ریزی شده و در سال ۱۹۱۷ بصورت وده " وزیر خارجه وقت انگلیس (بنسام بالفور) مبنی بر ایجاد یک وطن برای یهودیان صهیونیست تحقق یافته بود ، پس از سالها فشار که بوسیله استعمارگران انگلیسی و هندستان مرتجع حلی آنها برای اخراج فلسطینی ها از سرزمین آنها و ایجاد ایشان اعمال گشت ، و پس از کشتارهایی که بوسیله گروههای ترویست نظیرهاگانا (که سرکردگی آنرا منحیم بیگین برعهده داشت) علیه مردم بی پناه فلسطین دروستاها و شهرهای پناه شد ، سرانجام در ۱۵ مه ۱۹۴۸ ، آن توطئه دیرین چون غده های سرطان در جسم و جان ملت های عرب و خاوریانه سرزآورد .

خلق ستمدیده فلسطین قربانی این جنایت کم نظیر شد و صد ها هزارتن از مردم آن آواره " کشورهای همسایه شدند . همسایه هایی که خود زیر بار توتولیسیم و ارتجاع و سرمایه داران حرص ، یعنی هندستان واقعی امپریالیسم کمرشان خن شده بود ، و مهمان نوازشان از این مهمانان " آواره بطور عمده ناشی از طمع در بهره گیری از نیروی کار ارزان آنها بود .

از سال ۴۸ ، اردوگاههای آوارگان در اردن ، لبنان و سوریه برپا شد و سیل فراریان و سرکشتگان فلسطینی به دنبال حداقل تأمین جانی و نان بخور و نمیر ، به همجسای دنیا ، حتی به آمریکای لاتین سرازیر گشت . این شرایط مادی و فشارهای طاقت فرسای سیاسی واجتماعی طبقه ای را ایجاد کرد که در این خلق پدید آورد ، بتدریج مقاومتها و عملیات خود بخودی و پراکنده شکل گرفت و در آغاز سال ۱۹۶۵ به شروع مبارزه مسلحانه آزاد بپیش انجامید . هم اکنون ۱۴ سال است که این خلق علیرغم تلاشهای سرکوب گرانه دشمن و سوءاستفاده های مکارانه " وستان " میزمد و تضادهای طبقاتی جامعه فلسطینی ، که ویژگیهای خاص

خود را دارد ، و باتبلور بزرگتری که یافته ، می رود که در سازمانها و جریانات سیاسی رادیکالتر راه پیروزی راهسر چند دشوار و تأییری ادامه دهد .

مبارزه این خلق برای نیل به حقوق ملی و استقلال و برقراری دولت دموکراتیک فلسطین و در مبارزه با شلث امپریالیسم ، صهیونیسم ، ارتجاع روزه روز شدت و عمق بیشتر یافته است .

فلسطینیها همواره مشعل انقلاب را در این منطقه حساس شعله ور نگاهداشته اند و در این راه ، در راه تحقق اهداف فشان از پشتیبانی توده های ستمدیده منطقه ، بویژه خلقهای قهرمان ایران ، برخوردارند . مواضع حمایتگرانه انقلاب ایران از مقاومت فلسطین ، در عین افتخار آمیز بودن ، تنها جزئی از وظیفه ایست که انقلاب ما در قبال خلق فلسطین انجام داده است . در این روز یکبار دیگر پیوند ناگسستنی خود را با انقلابیون فلسطینی تا آزادی کامل سرزمین فلسطین مورد تأکید قرار میدهم .

خشم مقدس خلق !

یکبار دیگر شعله های خشم مقدس خلق درد انگاههای انقلاب تجلی یافت و جاسوسان و جنایتکاران دیگری را در کام خود فروکشید . زوربگاران و فرومایگانی که تا دیروز به جپاول و غارت و خیانت به توده های زنجیده " خلق ما مشغول بودند و با تیختری فرعونی فرمان میراندند ، چه نفرت انگیز و تهنوت آورنده رشکها خلق به عجز و لایه در افتادند و برای ادامه " زندگی ننگین خود به التماس و استغاثه دست یازیدند . وجه کوردل و احمقانه آنان که من پند ازند خلق ، خون شهدا ، نثر را ورنج و مشقت سالیان دراز دوران اختناق را به پیمین سادگی فراموش میکند و تسلیم تضرع و زاری این خائنین و جنایتکاران که در دستشان تامل فرسخون عزیزانشان آفشته است ، میشود . وجه کوردل ترواحمق ترند ایرانیان این سفگان که در ضرب و اسرائیل جنجال راه میاندازند و برای " حقوق بشر " اشک از دیدگان کثیف خود فرو میریزند و برای " بشرهای زالوصفتی چون القانیان ، اظهار تائیر و تاسف میکنند تا شاید که در راه " خلق " دایر بر معدوم ساختن خائنین بخود ، دخلی ایجاد شود و مدافعین و عاملینش برای آنان باز پس ماند ، تا از منافع استثمارگران آنها پاسداری کنند .

اما زهی خیال باطل . خلق ما که هرگز به ناپسندی دشمنانش بسته است و در این راه هیچ نیروی اورامانسع نتواند شد .

درباره وحدت

طرح "ائتلاف" بجای وحدت اباعث اوامر شش است
موکول کردن وحدت به پیدا کردن پایه کارگری دیدگاهی اگونیستی است

موکول به یک مرحله کار سیاسی - تشکیلاتی در میان طبقه و با اصطلاح ارتباط ارگانیک با آن میشود. چرا که مفهوم وحدت نیروهای کمونیستی در این مقطع، نباید به معنای تشکیل حزب که غالبترین ارگاسن سیاسی طبقه کارگر بشمار میرود در نظر گرفته شود، این وحدت همانطور که بعد اشاره خواهیم کرد، میتواند زمینهها و پایههای اصلی حزب کمونیست را به بهترین شکلی فراهم سازد.

برخی از گروههای سیاسی م.ل.، شرط وحدت نیروهای کمونیستی را با هم، داشتن ارتباط ارگانیک (بمفهوم تاشیرگذاری مستقل هرگروه بر روی مبارزات بخشی از طبقه کارگر و متقابلا تاثیر پذیری هرگروه از شرکت در این مبارزه و تغییر بافت و ساختمان روشنفکری آن) این گروهها با طبقه کارگر میدانند. گروه "مبارزین آزادی طبقه کارگر" در یکی از مدارک خود تحت عنوان "انقلاب دموکراتیک و رهبری پرولتاریا" صفحه ۹۷ مینویسند:

"... این بدان معنی است که هموز رمنه عینی وحدت تشکیلاتی محافل مارکسیست- لنینیست در کردار (و نه فقط در گفتار) یعنی ارتباط با طبقه کارگر و زمینه دهنی این وحدت سیاسی - ایدئولوژیک فراهم شده است."

دیدگاه فوق از آنجا که با مشروط ساختن وحدت گروههای م.ل. به تا مین ارتباط ارگانیک و تا زمان تحقق چنین شرطی، جدائی آنها را از یک دیگر مورد تأیید قرار داده و مانع از وحدت آنها میشود، دیدگاهی سکتاریستی و فرقه گرایانه است. شاینا این دیدگاه، از آنجهت که وحدت نیروهای م.ل. را اساسا نه در رابطه با وحدت سیاسی - ایدئولوژیک گروههایی که هر یک به میزان امکان محدود خود سعی در تا مین ارتباط سیاسی و تشکیلاتی با طبقه دارند، بلکه بطور عمده در ارتباط با داشتن پایه های کارگری این گروهها می بیند، دیدگاهی اگونیستی است.

گروههایی که بر این دیدگاه هستند، هر چند ضرورت مبارزه ایدئولوژیک را برای تحقق امر وحدت انکار نمی کنند، ولی بهر صورت بهای لازم و شایسته را به آن نمی دهند. برای آنها بیش از آنکه نقطه نظرات سیاسی و ایدئولوژیکی این یا آن گروه مطرح باشد داشتن پایه های کارگری (بگذریم که این پایه ها تقریبا برای تمامی نیروهای م.ل. در شرایط کنونی تاحد بسیار زیادی ست و سی پایه است) مطرح است. تو گوئی صرفا وجود چنین پایه هایی این گروهها را از هرگونه انحرف ایدئولوژیک غسل تعمیم خواهد داد و با اصطلاح آنها را پرولتریسم خواهد کرد.

این گروهها وقتی وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی را برای وحدت گروهها کافی نمی دانند و این وحدت را علیرغم سمت گیری عملی این گروهها (طبیعا ما با گروههایی که این سمت گیری را در نظر ندارند کاملا مرز بندی میکنیم) وحدتی از بالا و یک سر هم بندی روشنفکرانه تلقی میکنند، آیا این به معنی آن نخواهد بود که این رفقا ایدئولوژی وسیا ست را خاص روشنفکران و در انحصار آنها دانسته و از بردن سیاست و ایدئولوژی پرولتری میان طبقه و در آمیختن آن با جنبش کارگری هراس دارند؟

بدون شک رفتن میان کارگران و تا مین ارتباط سیاسی و تشکیلاتی با طبقه، وظیفه هر گروه و تشکل م.ل. صادق است، اما آنچه اهمیت دارد مضمون و محتوای فعالیت تبلیغاتی و ترویجی است که این گروهها بدان میپردازند. مهم اینست که ما حاصل کدام ایدئولوژی و کدام سیاست، ایدئولوژی و سیاست است "سوسیال دمکراتیک" و یا ایدئولوژی و سیاست "اگونیستی" هستیم. ایدئولوژی و سیاست "اگونیستی"، از آنجا که بمفهوم دنباله روی جنبش خود بخودی طبقه کارگر و نهایتا ایدئولوژی و سیاستی بورژوازی است ولو آنکه توانسته باشد، کارگران سیاسی را هم گرد خود جمع کند، هیچ گاه قادر به تا مین همان ارتباط ارگانیک که خود این رفقا آنرا پیش شرط وحدت دانسته اند نخواهد بود. تا مین چنین ارتباطی در گرو در هم آمیختن ایدئولوژی و سیاست پرولتری با جنبش کارگری است.

بیان این مطلب کاملا در دست است که هر گونه وحدت نیروهای کمونیستی، اگر در جریان شرکت در مبارزه اجتماعی صورت نگیرد و بعبارت دیگر در رفتن از شرکت کمونیستها در مبارزات روزمره طبقه کارگر و توده های زحمتکش و کوشش برای پیوند با آنها تحقق نیابد، به هیچ رو یک وحدت واقعی و مبتنی بر اصول مارکسیستی - لنینیستی نمیتواند باشد و این نوع وحدت، بدون شک چیزی جز نیکو سر هم بندی تشکیلاتی که مجرد از مبارزه اجتماعی و توسط روشنفکران بی عمل صورت میگیرد نخواهد بود، اما از این مطلب درست، هیچ گاه این نتیجه حاصل نمیشود که وحدت نیروهای کمونیستی نیاز مند یک پروسه طولانی بوده و موکول به یک مرحله کار سیاسی - تشکیلاتی مستقل این گروهها در میان طبقه و تا مین ارتباط ارگانیک با آن میشود. این کار چیزی جز تأیید تشتت و پراکندگی این گروهها و ادامه خسرده کاریها و دوباره کاریهای کنونی نیست. این کار، خود توان و ظرفیت نیروهای م.ل. را برای تا مین همین ارتباط ارگانیک و پیوند با جنبش کارگری محدود و ناچیز ساخته، موجب تاخیر انداختن این ارتباط و پیوند میشود.

امر "وحدت" و "پیوند" با طبقه، بهیچوجه نباید بعنوان دو آلترناتیو و در مقابل هم قرار گیرند. این دو باید بعنوان دو جزء و دو بخش کاملا مرتبط و هماهنگ در نظر گرفته شوند. نه پیوند با طبقه موکول به وحدت میشود و نه وحدت موکول به پیوند با طبقه. پیوند با طبقه کارگر، زمینه های مادی لازم برای وحدت را فراهم میآورد و آنرا استحکام میبخشد و متقابلا امر وحدت، جریان پیوند با طبقه کارگر را تسهیل و پروسه تحقق آنرا تسریع میکند.

بطور خلاصه، دیدگاه فوق، از آنجهت که تا ظرف حفظ حیات مستقل نیروهای کمونیستی برای یک سال، مرحله و تأیید پراکندگی و تشتت و ادامه خسرده کاریها، دوباره کاریها ست و امر وحدت را بیک دوره بعد از تا مین ارتباط ارگانیک تشکل مستقل گروهها موکول میسازد، همان طور که فقیه دیدگاهی سکتاریستی و از آنجهت که بهای این تأکید علی بر روی ضرورت مبارزه ایدئولوژیک و همین رابطه وحدت سیاسی - ایدئولوژیک بطور عمده و اساسی و بشکل یک جانبه ای روی داشتن پایه های کارگری و ارتباط ارگانیک تکیه میکند، دیدگاهی اگونیستی است.



دیدگاه دیگری که ظاهرا متضاد با دیدگاه اول بنظر میرسد، دیدگاه "ائتلاف" و یا "اتحاد سیاسی" است. این دیدگاه معتقد بر آنست که گروههای سیاسی م.ل. باید با توافق بر سر یک برنامه و منشور سیاسی مشترک، فعالیت خود را در زمینه های مختلف، اعم از انتشار ارگان سیاسی کار در میان کارگران و ایجاد سازمانهای حزبی و کارگری، فعالیتهای دمکراتیک و... متحد ساخته و از این طریق زمینه سیاسی، ایدئولوژیک و عملی مناسب را برای تشکیل حزب فراهم سازند.

"حقیقت" ارگان مرکزی اتحادیه کمونیستهای ایران (شماره ۱۱) طی مقاله ای تحت عنوان "در راه ایجاد حزب" چنین مینویسد:

"ما بر اساس سراسر دست خود از اوقات حشش مارکسیستی - لنینیستی ایران که بعضا در آغاز اس مقاله بدان اشاره کردیم، حتی پسران لزوم ائتلاف گروه های محتوای در راه حزب مطرح نمودیم، جوهر بحث ما این بود و هست که باید همه محافل، گروهها و سازمانهای جنبش کمونیستی نکرد یک برنامه سیاسی - عملی و سراسر یک منشور و پلتفرم ایدئولوژیک و سیاسی واحد مو' تلف کردیم. هدف اصلی این ائتلاف نادانساند باشد که کار گروههای مختلف را در جهت ایجاد رهنه های سیاسی - تئوریک و سراسر ماسی لازم برای حزب، در میان طبقه کارگر همگون و متحد کند تا در جریان اس کار مشترک و کوشش متحدانه گروهها زمینه لازم برای وحدت حشش کمونیستی

و پیوند سوسیالیسم علمی با حشش کارگری و تا سیس حزب پرولتاریا مهیا گردد." همینطور گروه "مبارزین آزادی طبقه کارگر" در یکی از مدارک خود تحت عنوان "انقلاب دمکراتیک و رهبری پرولتاریا" مینویسد:

"از نظر ما در شرایط کنونی اتحاد محافل مارکسیست - لنینیست در سبک اتحادیه انقلابی ضروری است. چنین اتحادیه ای من آنکه با انتشار یک ارگان حزبی - سیاسی مشترک میتواند از هرز رفتن نیروهای مارکسیست - لنینیست جلوگیری کند و این سروه را در جهت پیوند نزدیکتر با پرولتاریا و توده های سکارگیر، میتواند از طریق برقراری یک مداره ایدئولوژیک درونی به حل مسائل ایدئولوژیک حشش کمک نماید. این اتحادیه با هماهنگ نمودن فعالیت محافل مارکسیست - لنینیست میتواند سمراتبه فعالیت عملی و سردیگما در جنبش توده ای بسوزاید و شرایط لازم را برای امتزاس بقوذ سیاسی تشکیلاتی را در جنبش توده ای فراهم کند."

اشکالات و ایرادات طرح "ائتلاف" را بطور خلاصه میتوان بصورت زیر فرموله کرد:

۱ - طرح ائتلاف، با در دستور قرار دادن یک سری همکاری های سیستماتیک و جایگزین ساختن آن بجای وحدت سیاسی - ایدئولوژیک گروههای م.ل. و نهایتا ادغام تشکیلاتی آنها، نه تنها به امر وحدت کمک نمیکنند، بلکه مشخصا در مقابل آن قرار میگیرد.

این درست است که نیروهای م.ل. در جریان مبارزه ایدئولوژیک میتوانند و باید واری همکاری های بشوند، ولی آنچه که اهمیت اساسی دارد اینست که این همکاریها هیچگاه نباید بعنوان آلترناتیوی در برابر وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروهها درآیند و همکاریهایی که در خدمت وحدت قرار دارند و آنرا تسهیل مینمایند، امری ضروری و لازم هستند و طبیعا به شناخت بیشتر گروهها از یکدیگر کمک زیادی میکنند، اما این همکاریها دیگر نه در چارچوب ائتلاف سیاسی - ایدئولوژیک و نه بعنوان یک برنامه و نقشه در طول یک دوره، بلکه باید در کنار محور خط اساسی وحدت، یعنی مبارزه ایدئولوژیک بخاطر تا مین وحدت سیاسی و تشکیلاتی و در خدمت آن قرار گیرد.

۲ - طرح ائتلاف، بجای پرداختن به مبارزه ایدئولوژیک و تا مین وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی که توان و ظرفیت گروهها را بر مراتب افزایش میدهد، عمل استقلال گروهها را در چارچوب یک سری همکاریهای مشترک و یکدوره حفظ نموده و مانع از تحقق امر وحدت و تسریع آن میشود. این طرح همواره بجای تکیه بر آنچه که مبنایست انجام گیرد، برسط آنچه هم اکنون میتوان مشترکا انجام داد بسته کرده و با حفظ استقلال گروهی بر تشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی دامن میزند.

۳ - در دیدگاه ائتلاف، بیش از آنکه روی مبارزه ایدئولوژیک و ضرورت آن تکیه شود، با تأکید بر جنبه های تفاهم و اشتراک نظر و تسکین موقت هیجانات ناشی از تشتت و پراکندگی، مشخص شدن مرزها و وجوه افتراق و اشتراک گرد و عملا موجب ادامه حرکت خود بخودی و غیرآگاهانه (تقدم همکاری بر برنامه در سیاست) گروه میگردد.

لنین میگوید: "سرای آنکه متحد شوم باید نخست مرزی را با قاطعیت و صراحت تمام مشخص کنیم. در غیر انصورت اتحاد ما مقط مفهوم موهومی خواهد بود که بر تشتت موجود برده میکند و مانع سرانداختن قطعی آن میشود."

وارد استادیوم تخی شدند. در استادیوم مراسمی را طرب جمهوری اسلامی ترتیب داده شده بود.

در هنگام ورود، زنان و دخترانی که در راهپیمایی کارگران پروژه‌های شرکت کرده بودند، نادن عناصر مشکوک و شنید اعلام اصوات ارتحای از آمدن نه اسادیوم خودداری کرده و رفتند. کارگران نازدست‌دادن نیروی ریادی ار ریان وارد استادیوم شدند. در این حال آقای هاشمی رفسنجانی در حال سخنرانی بود ... او پس از ورود کارگران پروژه‌های نه اسادیوم سخنانش را حسین ادا مه داد: کارگرانی که متحن مبنیود از اردشیرزاهدی بول منگیرند و اوست که برای درهم شکنن انقلاب، اسن حصن هار اسراه می اندارد و ... او کارگران متحصصی را نه فدائیلانی بودن متهم کرد ...

نا تحریکاتی که سخن رفسنجانی عمل آورد عناصر مرتجع در جمع کارگران پروژه‌های وارد شده وسیع دراز هم پاشاندن جمع آنها می کنند و نه هر عنوانی سعی منکند بر خورد راه نیاندازد.

آقای آیت الله موسوی رفسنجانی حزب جمهوری اسلامی آبادان به کارگران پروژه‌های اجازه نمیدهد که قطعیه شان از بلند گو خوانده شود. و پس از اینکه قطعیه مه حرب جمهوری اسلامی خوانده شد اعلام گردید که برنامه پایان یافته است (در این قطع نامه آمده بود که روز جهانی کارگر سه روزی غیر از اول ماه مه تعیین یابد) نماینده کارگران پروژه‌های پس از اینکه مانع خواندن قطعیه مه شان می شوند نسبت کارگران آمده و ناصدی رسا شروع نصحت میکند و علی رغم اینکه عناصر مرتجع باشاخرهای "سدیکا" گذش در آمد" و " دردمادر توبیست، سروگمشو کمونست" و ... مانع حصصی او می شدند، این مرزند راستین خلق نا نسلطی که داشت توانست قسمتی از حرمهای ریان را برای کارگران بزند ...

عناصر مرتجع که حدود ۱۰۰ نفر میشدند پیوسته دور اجتماع کارگران می چرخیدند و می دویدند و شعار میدادند در این حال کارگران شروع به دادن شعار " سدیکا عسره و هیبتنا " میکنند و با یایکوبی، عزم، کارگری خود را به نمایش می گذاشتند. نمایندگان کارگران برای اینکه درگیری پیش نیاید و باین وسیله آتشی دست ارتحای سیفند برهنی می شده بود کارگران را به آزار متذعوت میگردند. برای همین کارگران به قصد بازگشت به سدیکا بطور دسته جمعی بسمت در غربی استادیوم براه افتادند اما گروه مدعنه نا آگاه و مرتجع (که احتمالاً در سین آنها ساواکی نیز وجود داشت) سرعت جلوی در دویده مانع خروج کارگران شدند، در حالیکه پیوسته شعار " مرگ بر کمونیست، الله اکبر و ... می دادند!

در همین حال این عناصر نه عده ای از کارگران حمله کردند که ۹ نفر از آنان زخمی و مضروب شدند. کارگران بسمت در شرقی حرکت کردند و علی رغم اینکه همان گروه مدعنه مانع خروج میشوند، کارگران نازدخارج شدند اما این گروه مرتجع در مسیر راه با چوب و چماق خیابان را بست. نمایندگان کارگران اعلام داشتند که کارگران متفرق شوند. کارگران متفرق شدند ولی عناصر مرتجع بعضی از کارگران را نه تنهایی گیر آورده و مضروب میکنند. این عناصر مرتجع حتی پلاکاردهای که عکس آیت الله خمینی روی آن بود از دست کارگران میگردنند و ادعا می کردند که چون شما کمونیست هستید باید عکس آقای خمینی در دست شما باشد.

کارگران نفرمان نا متانت خاص خود و نا آگاهی تمام نوطه‌های خانانه یک مشت مرتجع را نقش بر آب کرد. همه کارگران ار هاشمی رفسنجانی دل پری داشتند که چگونه دامن باین اختلافات زد و مرصت کافی را نه عناصر مردور و مرتجع داد تا با استفاده از تحریکات او آزادانه دست به خرابکاری بزند ...

شعارها و پلاکاردهای دیگری که وجود داشت: - تسهاره رهائی اخراج آمریکایی - آمریکا، آمریکا دشمن خلق مائی - ارتحاع و امپریالیسم برای سرکونی حسش اعلانی و در مرکز آن برای سرکونی حسش کارگری ایران نوطه میکند، هشیاراشم و این نوطه‌ها را درهم کوسم. - تا تبیم المصاع التي تدارم فنل الاحاب فی کل الحماطات الانرابیه. ترجمه: (ملی کردن کارخانه‌ها نشک نوسله سگان در استانها اداره میشود) - اسفاه سراج بومه خاصه عن طریق النقا سه العمانه فی الرادو والتلفیریون. بقیه در صفحه بعد

- است، سلاح کارگر اعصاب است (مردوس)
- نسفا نوسی مقدس است که حامی رحمتگان نا شد
- روز جهانی کارگر را گرامی منداریم، ما هوسد ناد یاد کارگران نفرمان جهان جیت.
- مستحکم ناد پیوسد دانسن آمریکا کارگر مناسر و قهرمان.
- اگر کارگر سیکار پیدا نشود، سرمایه دارار غمه دق میکند.
- سب کاری که آفت جان کارگر است باید لوموگرد
- اعصاب و اجتماعات کارگری ار حقوی بیسوی چون و چرا است.
- قانون کار ناند از دل حواسهای کارگران سه وجود آید.
- گرامی ناد خاطره اول ماه مه خوبین، مسلسل شهادت کارگران جهان.
- سرکوب کارگران حمایت از سرمایه دار است.
- سرمایه ار خون و عرق کارگران درست شده.
- کلسه سدهی ها و نعهدهات مالی کارگران، دهفا. نان و زحمتگان نه ناسکها و مؤسات دولتی ناید لعوشود.
- مبارزات کارگران تا محو کامل امپریالیسم و سرمایه داری ار خاک و طعمان ادا مه دارد.
- من کارگر، ار کارگری دین من است. دنبا وطن من است، زحمت آخین من است.
- اخراج کلیه سرمایه داران و کارشناسان خارجی و مصادره اموال آنها نفع کارگران.
- اتجنسها و شوراها ی ایلتی و شهری گامی سزگ به سوی دموکراسی است.
- آزادی اعصاب و آزادی اعتراضات.
- کارگران، سرای ایحاد سدیکای مستقل متحد شوید
- ای کارگر آخر تو هم آدم هستی
- نیکار ار نگرسی خالق عالم هستی
- تشکیل شوراها ی کارگری در هرواحد تولیدی و ایحاد سوری مرکزی کارگری ضرورت قوری زمان است.
- داشتن سدیکا حق مسلم کارگران است.
- فرهنگ و نان باید به هرخانه راه یابد.
- برای تحکیم دستا وردهای انقلاب و نوسازی خارجه متحد مبارز کنیم
- درود بر طبقه کارگر برجهدار رزم تاریخ ساز زحمتگان ایران.
- پیش بسوی تشکیلات واقعی کارگران
- شعارها عبارت بودند از:
 - سدیکا عزه و هیبتنا (سدیکا عزت و شرف ماست)
 - سدیکا صوت الحریه (سدیکا صدای آزادی است)
 - کارگر، کارگر، زنده سکار توفیم.
 - کارگران اتحاد، اتحاد، رنجبران، اتحاد، اتحاد
 - آهسین باد منت رنجبران، زندیاد اتحاد کارگران
 - شیر رن کارگر بوم بما نیویند.
 - کارگران جهان متحد و متفق هم شوید.
 - سدیکا سنگر زحمتگان، کارفرما دشمن زحمتگان
 - مسلسل هر انقلاب کارگر قهرمان است.
 - کارگر، دهقان، زحمتکش؛ پیروز است.
 - کارگر، بزرگ، اتحاد، اتحاد.
 - چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.
 - کارگر، کارگر، ناپود کن ستمگر.
 - سرمایه داران بود است کارگر پیروز است.
 - عرق میریزه کارگر پول می بره ستمگر
 - کارگران ایران متحد و متفق هم شوید.
 - فعلی، فعلی، سدیکای واقعی.
 - سدیکا سنگر زحمتگان، خمیتی رهبر زحمتگان
 - استبداد ناسود است، ارتحاع محکوم است.
 - کارگر پیروز است، امپریالیسم ناپود است
 - کارگر کشا ورز ما من انقلاب است.
 - کارمیکه کارگر سود مسیره ستمگر.
 - سدیکای واقعی ایجاد باید گردد، کارفرمای احنبی ناسود ناید گردد.

تمام این شعارها توسط خود کارگران تنظیم شده بود و یاد مسر راه مشول شعار آنها را نظم منکرده و این نمان دهنده شاحت عمیق آنها سه اوضاع و احوال انحصای بود. بعد از ۱/۵ دقیقه راهپیمایی، کارگران برای سرگردانت کارگران سهد اول ماه مه یکدصفه سکر ت کوبید ساعت ۱۰/۵، کارگران برای اسکه نشان دهد نا سامی خلق هنگامد تا ارتحاع و امپریالیسم ناسودشود،

۴ - در طرح اشتلاف، با تاکید یکجا نیه بر جنبه‌های تفاهم و اشتراک نظور بر اساس وحدت اولیه وحد. اقل مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، وارد در یک سری همکاریها و فعالیتهای مشترک و سیستماتیکی میشود که عملا با استقلال گروهها که خود مانع از بین رفتن آنست، در تضاد قرار میگیرند و سازمانها و گروهها را از نظر تشکیلاتی و قبل از آنکه دارای برنامه و خط مشی واحد باشند اجبارا و بطور مکانیکی با یکدیگر تدا خلل میدهند و آشفتنکی و دست و پا گیر پهای زیادی را بوجود می آورد.

بطور خلاصه ایده اشتلاف از آنجهت که بیک " ظرف " و " حمل " خاص را که بر پایه اشتلاف و یا اتحاد سیاسی قرار دارد، عملا بصورت یک آلترناتیو در مقابل وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروههای م.ل. قرار میدهد، و از آنجهت که با تحمیل خرده کاریها و ادا مه تشتت و پراکندهگی گروهها و حفظ استقلال سیاسی و سازمانی آنها مانعی در برابر وحدت و یکپارچگی این نیروها میشود، دیدگاهی فرا کمونیستی و نهاییتا سکتاریستی و گروه گرایانه است. این دیدگاه هم زمینه‌های رشدیابن گرایشات را دامن میزند و هم بطور کلی آنرا توجیه تشکیلاتی نموده و مانع از افشاء و طرد آن میشود.

نکته بسیار مهمی که باید در اینجا روی آن تاکید شود، رابطه منطقی میان دو دیدگاه - فسوف الذکر و نقاط مشترکی است که میان آنها وجود دارد. این دو دیدگاه، هر یک از پایگاه خاص خود بمبارزه ایدئولوژیک و نقش عنصر آگاه و تعیین برنامه سیاست بهای لازم را نمیدهد و متقابلا تابع یک حرکت خود بخودی (اکونومیستی و امپریستی) میگردد. همچنین این دو دیدگاه از آنجا که هر یک بنحوی حرکت مستقل گروهها را مورد تأیید قرار داده و وحدت آنها را به شرایط موقتی ارتباط ارگانیک و یا یکدوره همکاری و اشتلاف موقول میکنند، دیدگاهی سکتاریستی و فرقه گرایانه محسوب میشوند.

دیدگاه اول، از آنجا که عملا وحدت گروهها را منوط به ارتباط ارگانیک میداند، الزاماً چاره‌ای جز آن ندارد که در قبال تشتت و پراکندهگی جنبش کمونیستی، نوعی همکاری و با اشتلاف سیاسی - ایدئولوژیک را مورد تأکید قرار دهد و در اینجا است که دیدگاه اول با دیدگاه دوم بهم گره میخورند. نمونه بارز و برجسته گره خوردن این دو دیدگاه انحرافی را در طرح رفقای " مبارزین آزاد طبقه کارگر " در باره وحدت میتوان مشاهده نمود:

" اما آیا اگر وحدت تشکیلاتی محافظ مار - کسیت - لنینیست موقول به ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریاست (دیدگاه اشتلاف ارگانیک)، این ندان مفهوم است که محافظ مارکسیت - لنینیستی که در جهت ارتباط با پرولتاریا، موفقیتری کرده اند نمی‌توانند و نباید متحد شوند و نیروهای خود را هماهنگ سازند؟ نالعکس این محافظ هم میتوانند و هم باید متحد گردند (دیدگاه اشتلاف) زیرا بر فراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا مستلزم فعالیت وسیع و همه جانبه‌ای است که ار عهده محافظ جدا از هم، ناصح نیست (پس چرا مطرح اتحاد میکوشیم این جدا کثیرا همچنان حفظ کنیم؟) ... محافظ مارکسیت - لنینیست در کردار باسیستی متحد شوند (چرا وحدت نکنند؟) تا از این طریق با هماهنگ کردن فعالیت های خود (بخوان اشتلاف) و حلوگیبری از هرز روی نیروها و امکانات، نیرو و امکان وسیعتری برای تبلیغ و ترویج و سازماندهی فراهم کنند. "

خودمان را در باره وحدت نیروهای م.ل. و پروسه تشکیل حزب کمونیست، مورد بررسی قرار میدهیم. - صفحات ۴۷ و ۴۸ رساله انقلاب دمکراتیک و رهبری پرولتاریا، نوشته " مبارزین آزادی طبقه کارگر ". مطالب داخل پرانتز از ماست.

ترجمه : ایچا دبیرنامه های روزانه ویژه زیر نظر سندیکای کارکنان رادیو، تلویزیون .

مراسم بعد از ظهر : شاد و نشاط

کارگران پروژه‌های همبستون از مردم آبادان دعوت بعمل آورده بودند که ساعت ۵ بعد از ظهر در محل سندیکا حضور بهم رسانیده و در جشن کارگران پروژه‌ای شرکت کنند " شاد و نشاط "

در آغاز گروهی از کارگران سرود معروف به " شاد و نشاط " را خواندند .

یادمان نامی یوسلیم خودکارگان پروژه‌ای اجرا شد موضوع نمایشنامه مبارزه کارگران پروژه‌ای و بیگانه‌ها - دان را جهت گرفتن سندیکا و جلوگیری تشبیت آنرا نشان میداد .

و آنگاه مادر یکی از کارگران پشت تریبون قرار گرفت و گفت :

" فرزند من که یکی از کارگران پروژه‌ای است بیگار شده و الان که آنها این سندیکای واقعی و فدکارت فرمائی را درست کرده اند عده‌ای از سرمایه داران در حسینیه بهیچا نیهای آبادان اتحادیه قلابی بنام " اتحادیه کارگران بیگار " را کانون تحصیل کرده‌های دیپلم به بالا درست کرده اند و چون فرزندان ما زیر بار نرفتند به آنها در فرمانداری حمله کردند و دندان پسر من را هم شکستند . (پس از آن دندانان فرزندان را به جمعیت نشان داد) پس از آن در خالیکه این شیر زن قهرمان دستهایش را بالا برده بود ، فریاد زد : چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است .

پیشگاه " ، دانش آموزان دبیرستان صدیقه رضائی " ، دبیرستان فردوسی " ، دبیرستان عریقت واقعی " ، و اعلام همبستگی کردند .

بردیوار سندیکا روی پارچهای نوشته شده بود : " تشکیلات واقعی کارگری گامهای استوار در جهت ناپودی امیرالسلیم است " (دانشجویان مبارز)

بردیوار سندیکا روی پارچهای نوشته شده بود : " تشکیلات واقعی کارگری گامهای استوار در جهت ناپودی امیرالسلیم است " (دانشجویان مبارز)

درد و پرکار گرفت ما مبارز و دلیر و مسرحت ما

اول ماه مه در مسجد سلیمان چگونه برگزار شد ؟

روز ۱۱ اردیبهشت ، طبق دعوت " شورای کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان " کارگران صنعت نفت برای برآورد همبستگی خود با تمام کارگران سراسر ایران و تحکیم پایه های وحدت خویش ، ساعت ۸/۵ صبح در باشگاه شرکت نفت جمع شدند . کارگران پیمانی شرکت نفت هم بعد از ظهر یک راهپیمائی دسته جمعی به جمع آنها پیوستند . در این جمع ، چندتن از کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکیلات کارگری و وحدت کارگران سخنرانی کردند . همچنین نماینده کارگران پیمانی شرکت نفت ضمن صحبت پیرامون مسائل کارگری و لزوم اتحاد تمام کارگران ، یادآور شد که کارگران صنعت نفت باید از خواسته های بحق کارگران پیمانی حمایت کنند که کارگران حاضر در جلسه این مسئله را تأیید کردند . یکی از خواسته های کارگران پیمانی ، رسمی شدن تمام کارگران پیمانی شرکت نفت مسجد سلیمان می باشد .

همزمان با این جشن کارگری ، عده ای از کارگران بیگار و کارگران سایر شرکتها ، از میدان نفتون بسمت باشگاه شرکت نفت برای پیوستن به کارگران شرکت نفت حرکت کردند و چون جشن کارگران شرکت نفت تمام شده بود به راهپیمائی خود ادامه دادند . عده ای از کارگران شرکت نفت هم بعد از خارج شدن از باشگاه به صفوف آنها پیوستند و راهپیمائی را ادامه دادند . نظا هرکنندگان مجموعاً در حدود ۴۰۰ نفر بودند ، شعارهای که کارگران ضمن راهپیمائی می دادند چنین بود :

- ۱- اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد .
- ۲- با زوی کارگر ستون انقلاب است ، بیگاری کارگر بزرگترین گناه است .
- ۳- کارگر ، کارگر سرمایه از روز ازل نبوده ، سرمایه دار حق شو را رسوده .

۴- سرمایه وابسته ملی باید گردد ، حقوق کارگر پرداخت باید گردد .

۵- درود بر کارگر نفت ما ، مبارز دلیر و سرختمان کارگر ، کارگر ، زنده بکار تو ایم .

در این راهپیمائی کارگران پلاکاردها و پوسترهای شایع با خود حمل میکردند که در آنها در تأیید همبستگی کارگران شعارهای زیر بچشم میخورد :

۱- گرامی باد اول ماه مه ، روز جهانی کارگر !

۲- قانون کار باید از دل خواسته های کارگران بیرون بیاید .

۳- کارگران خواستار شرکت در مجلس مؤسسان هستند

۴- آتشنین باد مشت رنجبران ، زنده باد اتحاد کارگران

۵- کارگر پاره میکند پیکروز ، همه زنجیر وقید و بند جهان .

عده ای از زلمندان دانش آموزان و کارمندان مسجد سلیمان نیز صف کارگران را همراهی میکردند .

در پایان این تظاهرات ، بعد از خواندن مقاله ای توسط یکی از کارگران بیگار ، پیرامون نقش طبقه کارگر در انقلاب اخیر ، قطعنامه شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران پروژه‌ای مسجد سلیمان ، قطعنامه کارگران نمایندگی ایران ناسیونال در مسجد سلیمان ، قطعنامه عده ای از کارگران پرسرزینون ، قطعنامه سندیکای کارگران پروژه‌ای مسجد سلیمان قرائت شد و سپس عده ای از دانش آموزان در تجلیل از روز جهانی کارگر برنامهای سخنرانی و سرود دسته جمعی و شعر اجرا کردند . این مراسم در ساعت ۱۲/۵ ظهر به پایان رسید .



در شبیه برگزاری جشن اول ماه مه در شیراز

برای روز اول ماه مه کارگران از طریق کمیته ای بنام " کمیته برگزاری کارگری اسلامی کارگر " از نمایندگان کارخانه های مختلف دعوت میکند که روز سه شنبه ساعت ۸ صبح در باغ گلستان جمع شده و از آنجا به سمت باغشمال حرکت کنند . کارگران برای این جشن قبلاً با زحمت زیاد از استاندار برای باغ شمال اجازه گرفته بودند . در همین روزها روحانیت شیریز محل تجمع رادانشگاه تبریز اعلام نمود .

در روز کارگر یک پیکان راهنمائی مجهز به بلندگو در خیابانها اعلام میکند که همه بسمت دانشگاه بروند . در میدان ساعت عده زیادی از فالانژها (که در میان آنها عناصر روحانی هم بود) جمع شده بودند و راه را بسمت استاد دیوم باغشمال بسته بودند و همرا بسمت دانشگاه هدایت میکردند . در جریان این راه پندان که انحصار طلبی و تنگ نظری عاملین آنرا نشان میداد ، زدوخوردهائی پیش آمد و به زنان توهین شد . بطور مثال

دسته ای از کمیته زنان ماشین سازی بطور مستقل بسمت استاد دیوم باغ شمال راهپیمائی میکردند ، که فالانژها راه را براین زنان بسته و به آنها توهین کرده و آنها را به اداره شهرداری بردند و زنان کارگر موفق شدند مجدد به سمت باغشمال حرکت کنند .

همینطور کارگران بیگار با وجودیکه فشار زیادی از طرف فالانژها به آنها وارد میشد و حتی نیم ساعت در آنجا معطل شدند ، سرانجام سدارا شکستند و از همان مسیر بسمت میدان باغشمال حرکت کردند . عده ای از کارگران دیگر هم همینکار را کردند . در استاد دیوم نیز عده ای از فالانژها با چوب و چماق به کارگران حمله کردند و زدوخوردها گرفت و سنگ اندازی بطرف کارگران صورت گرفت و جلوی اجرای برنامه های کارگران گرفته شد . فالانژها مرتباً شعار میدادند " کمونیستها باغشمال مسلمانها بسمت دانشگاه " .

مراسم روز جهانی کارگر در اهواز

چگونه توسط عده ای ضد کارگر برپا زده شد ؟

کارگران بیگار و اخراجی اهواز روز ۱۱ اردیبهشت ، جهت رساندن فریاد خود بگوش سربین و همچنین برای اعلام همبستگی با سایر کارگران ، ساعت ۴ بعد از ظهر در فلکه زیتون کارگری اجتماع کردند . کارگران بیگار و اخراجی با پلاکاردهائی که روی آنها خواسته های کارگران نوشته شده بوده بطرف باشگاه کارگران شرکت نفت اهواز حرکت کردند . کارگران در طول مسیر راهپیمائی با شعارهائی " ایران میهن ماست ، سندیکا سنگر ماست " ، " خمینی رهبر ماست ، سندیکا سنگر ماست " و " ما ضد انقلابی نیستیم ، ما کارگر بیگانه هستیم " عده زیادی از افراد محله فقیر نشین حصار آباد را بطرف خود جلب کردند ، بطوری که عده زیادی زن و کودک هم بصفت کارگران بیگار پیوستند .

در انتهای خیابان حصار آباد ، عده ای از عناصر تحریک شده ، با انواع توهینها و حرفهای ناشایست سعی کردند راه پیمائی را متوقف کنند که کارگران با شعار " عناصر منافق از اجتماع کارگر اخراج باید گردند " براه پیمائی خود ادامه دادند ، عناصر تحریک شده اینبار به صف کارگران بیگار و اخراجی حمله کردند و با چوبهای پلاکاردها شروع به مغرور کردن کارگران کردند . نتیجه آن حدود ۸ نفر مجروح شدند . شعار عناصر فوق " داس ، چکش ، ستاره ، دیگر اثر ندارد " بود که مرتب تکرار میکردند . آنها سپس پلاکاردها و پوسترها را پاره کرده و در لجنهای اطراف محله فقیر نشین حصار آباد انداختند ! ...

کارگران بعد از این یورش متفرق شدند و عده ای از آنها خود را به باشگاه کارگران شرکت نفت رساندند تا در جشن آنها شرکت کنند . در اطراف باشگاه نیز عده ای از عناصر تحریک شده ، تحت حمایت کمیته امام ، پوسترها و پلاکاردهای " شورای مؤسسان را کردند و بتدریج وارد سالن برگزاری جشن شدند . آنها داخل سالن نیز به انواع حیل سعی کردند جشن را بهم بریزند و آخر سر هم موفق شدند . آنها با عنوان کردن اینکه اگر جلسه اسلامی است چرا عکس " آقا " بیکدانه است ، چرا عکس آقای بازگان را زنده اند ... شروع به کندن پوسترها و پلاکاردهای " شورای مؤسسان " کردند و از سخنرانی ، سخنران جلسه جلوگیری کردند . یکی از کارگران حاضر در جلسه میگفت : " من بعد از ۲۶ سال دلم خوش بود که امروز یک جشن واقعی میگیریم که آنتهم اینطور شد " . افراد حاضر در جلسه ، بدون دست دادن بردباری خود ، بتدریج سالن را ترک کردند .

در بیرون باشگاه عناصر تحریک شده که مجهز به چماق و پنجه بکس و چاقو ... بودند شعارهای ضد کمونیستی میدادند ، کارگران و دانشجویان را متفرق کردند .

عناصر فوق با ماشینهای کمیته و همچنین وانت بارهای کرایه ای از محلات مختلف اهواز در محل جشن حاضر شده بودند . در جریان این حادثه افراد کمیته امام ناظر جریان بوده و کوچکترین کوششی در جهت جلوگیری از اعمال این عناصر تحریک شده نکردند . در جلوی باشگاه ، عناصر فوق یک پسر بچه ۱۵ - ۱۴ ساله را تنها بجرم اینکه یک روزنامه کارگری دستش دیده بودند ، مفلکتک زده و مضروب کردند . در طول این جریان ، افراد خانواده های کارگران (باشگاه در محله کارگران نفت واقع است) از این حادثه بشدت ناراحت بودند و اظهار می کردند که اولاجش کارگری که جرم نیست ، ثانیاً اگر هم راه پیمائی و تظاهراتی برپا می شود ، علنش بیگاری و تائین نشدن زندگی آنهاست و ...

عناصر تحریک شده ، تا ساعت ۷/۵ شب (جشن از ساعت ۵ شروع شده بود) در منطقه حضور داشتند و مدام دنباله کارگران و دانشجویان مبارز بودند و هر جا آنها را پیدا میکردند ، دسته جمعی آنها را مضروب میکردند .



در طول چند ماهی که از قیام سلحشانه بهمن ماه می گذرد هفته‌ای نیست که ما شاهد اعتصاب و تظاهرات کارگران نباشیم. محروم اصلی این اعتصابات و تظاهرات را خواستهای صنفی کارگران: پایان دادن به بیکاری، پرداخت حقوق، رسمی شدن، بیمه و... تشکیل می دهد.

چرا کارگران دست به اعتصاب و تظاهرات می زنند؟ جواب این سؤال از نظر کارگر گرسنه و ستم کش معلوم است ولی عناصر تنگ نظر، معصب و انحصار طلب که بیشتر به فکر زندگی آرام خود و بدست آوردن مقام و منزلت هستند، بنابرست با عناوینی نظیر "ضد انقلابی" و "اخلالگر" به کارگران می نازند.

اما کارگرانی که با بذل جان و خون خهیش در جریان انقلاب بر اثر تعطیل کارخانه، یا اعتصاب از کار بیکار شده‌اند و در این گرانی سرسام آور هزینه زندگی بدون هیچ پشتوانه‌ای باقی مانده‌اند. اکنون کمترین سرنگون شده بحق خواهند تحقق خواسته‌هایشان هستند. اما آنچه آنها در زندگی روزمره خود مشاهده می کنند خلاف این خواسته‌هایشان است. آنها وقتی به کارخانه بروی گردند، اکثرا با همان عوامل رژیم سابق منتهی در لباس انقلابی مواجه میشوند و جوابهای معمولی سرمایه داران و مسئولین مربوطه را می شنوند.

آنها وقتی بخاطر گرفتن حقوق عقب افتاده تلاش می کنند کمتر نتیجه می گیرند و... وزارت کار آنها را سر می داند و... اخبار زیر گوشهای از تظاهرات و اعتصابات کارگری است:

اعتصاب کارگران کارخانه پارچه بانی مقدم

کارگران این کارخانه از ۸/۲/۵۸ دست به اعتصاب زده اند. خواست آنها بقرار زیر است: ۱- افزایش دستمزد ۲- کاهش ساعت کار ۳- سرویس ایاب و ذهاب برای کسب و تهران ۴- سالن غذا خوری با میز و صندلی. (گزارش رسیده جریان این اعتصاب را تا تاریخ ۵۸/۲/۱۲ نشان میدهد).

نکاتی در مورد این کارخانه: مدت کار، زیاد؛ کارگر-ان با حساب ۱ ساعت ناهار (۱ ساعت و ۲۰ دقیقه کاری-کنند) دستمزد کم؛ متوسط دستمزد کارگران ۱۰۰۰ تومان در ماه است. اجزای مستمر کارگران: صاحب کارخانه سه کارگر را سه چهارم بیکار اجزای می کند تا به این ترتیب، از پرداخت حق بیمه باز نشستی و سایر مزایا... خود داری کند.

نامه کارگران بیکار کارخانه دوخت مقدم

کارگران بیکار این کارخانه واقع در نظرآباد بزرگ "طسی نامه ای به وزارت کار خواستار جواب به خواسته‌های زیر شده اند."

- ۱- استخدام فوری کارگران بیکار
- ۲- پرداخت دستمزد ها در ایام تعطیلی
- ۳- پرداخت کلیه بولهای که قبلا "بمنوان حق بیمه" دستمزد کسر شده است.
- ۴- بیمه کردن تمام کارگران.

در این نامه آمده است که "ما گروهی از کارگران زن کارخانه این گزارش را برای روشن شدن ذهن هموطنانمان بر آنچه که بر اثر اعمال ضد کارگری روسای این کارخانه بر ما وارد شده است، می نویسیم". آنها می نویسند که "در این کارخانه حدود ۸۰ کارگر کاری می کنند که اکثرا زن هستند و دستمزد روزانه شان حدود ۲۵ تومان است... قبل از عید کارفرما اظهار داشت که تولید کارخانه بفروش نمی رسد و شما می توانید دنبال کارتان بروید... اکنون که مدتی است کارخانه راه افتاده ما را به بهانه اینکه به کارگر نیازی نیست استخدام نمی کنند". کارگران این کارخانه با اینکه حق بیمه از حقوقشان کسر می شده ولی بیمه نبوده اند. سود ویژه به بهانه "رسمی نبودن" دریافت نمی کرده‌اند و...

اجتماع شرکت ساختمان مسک

صبح روز شنبه ۵۸/۲/۱۵ کارگران این شرکت پس از ماه ها دوندگی جلوی ساختمان شرکت واقع در خیابان تخت جمشید برای دریافت حقوق عقب افتاده ۶ ماهه در مقابل شرکت منور جمع کردند... هنوز، از نتیجه ای این تجمع اطلاعی بدست ما نرسیده است.

توطئه حسی علیه کارگران

خبری داریم از کارخانه سپیمان آبیگ بتاريخ ۲/۱۴/۵۸ منی بر اینکه در این کارخانه اعلامیه بدون امضای پخش شده که در آن به "کمیته امام به عنوان دشمن سندیکاها و واقعی کارگران" حمله شده است. این اعلامیه به اتحاد و همبستگی کارگران خدشه وارد ساخته و بدست "روحانی" پیشنهاد کارخانه، گزاف داده است تا در بین کارگران اختلافات را دامن زند.

تحقق کارگران شرکت بهمنشیر

۱۲۰ نفر کارگر شرکت بهمنشیر وابسته به صنایع چوب و کاغذ مازندران برای احقاق حقوق خود از ۵۸/۲/۱۵ به مدت ۴۸ ساعت در استانداری تحصن کرده اند. سرمایه-دار این شرکت غلامرضا پهلوی بوده و کارخانه را شخصی بنام مهندس صالحی اداره میکرد. است. که اکنون تسراری

است. در ضمن تحصن قطعنامه ای به شرح زیر توسط کارگر-ان خوانده شد:

"قطعنامه کارگران شرکت بهمنشیر"

چهارصند ساری
ما کارگران شرکت بهمنشیر ساری که از حدود ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ برای احقاق حقوق عقب افتاده خود چندین بار به مراجع قانونی (اداره کار -استاننداری- کمیته) مراجعه کردیم با اینحال هنوز جواب قطعی به ما داده نشده است.

ما کارگران شرکت بهمنشیر که حقوق سه ماه آخر سال ۱۳۵۷ را دریافت نداشتیم، در کمال بی پولی، زن و بچه و خودمان سرگردان مانده ایم، حال میخواستیم تا ۴۸ ساعت دیگر به وضع ما رسیدگی شده و جواب قطعی به ما داده شود و تا احقاق حقوق خود در راستاننداری تحصن خواهیم کرد و مصرا "خواهان پرداخت حقوق خود می باشیم. ما که در رژیم طاغوتی زیر بار مشقات فراوانی بوده ایم دیگر حاضر به تحمل وضع گذشته نمی باشیم. اگر تا ۴۸ ساعت دیگر حقوق عقب افتاده ما پرداخت نشود خود را "دست بعمل زده و از شرکت ماشین آلات را به شهر خواهیم آورد و تا رسیدگی به وضعمان آنها را تصرف خواهیم کرد."

کارگران بیکار شرکت بهمنشیر چهار وابسته به صنایع چوب و کاغذ مازندران
۸۰۰ کارگر بیکار شرکت نفت مسجد سلیمان
خودان رسمی شدن میباشند

"کارگران این شرکت که ۸۰ نفر بوده و اکثرا ۲۵ سال سابقه خدمت دارند، نه تنها از مزایای مسکن، حق مسکن، سود ویژه و... برخوردار نیستند بلکه سطح دستمزد ها-شان بسیار پائین است. طوری که یک کارگر ساده روزانه ۲۲۹ ریال مزد می گیرد." این کارگران در جلسه مشترک، ۱/۱۷/۵۸ خواسته‌های خود را به شرح زیر تنظیم کرده، به اداره ابلاغ و به آن دو ماه فرصت برای رسیدگی به این خواسته‌ها داده اند. خواسته‌های این کارگران بقرار زیر است:

- ۱- رسمی شدن کلیه کارگران
 - ۲- روسای مزدور یک در گذشته با رژیم شاه زد و بند داشتند برکنار شوند.
 - ۳- عامل قرار دهای شرکت نفت یا کارفرمایان به دادگاه-ها سپرده شود تا زد و بند های مسئولین برای بالا کشیدن حق کارگران پیمانی بر ملا شود.
- تا کنون جواب مساعدی از طرف شرکت نفت به کارگران داده نشده است.

اعتصاب و صنایع فولاد

صنایع فولاد: مجتمع صنایع فولاد، در حال حاضر توسط سه شرکت پیمانکاری فاستر ویلر - مانا - ماشین سازی پارس در حال ساختمان و مونتاژ دستگاهها و... است. کارگران قسمت ماشین سازی از آذر ماه ۵۷ تا ۲۸ بهمن ماه در حال اعتصاب بسر می بردند که در این تاریخ کارگران بسر کار خود بازگشتند. قبل از این تاریخ شرکت ماشین سازی حدود ۱۲ نفر از کارگران خود شرا اخراج کرده بود. بعد از شروع کار، کارگران از بین خود، نفر نماینده انتخاب کردند که خواسته‌هایشان را دنبال کنند. یکی از خواسته‌های کارگران تعطیلی پنج شنبه هابود که توسط نامه های مکرر خواستار تعطیل شدن پنج شنبه هابودند. بعد از عید نوروز کارگران خودشان پنج شنبه ها را تعطیل کردند (کارگران شرکتهای مانا و فاستر ویلر هم بد نبال این جریان پنج شنبه ها را تعطیل کردند).

از خواسته‌های دیگر کارگران بازگشتن کارگران اجزایی بود که کارگران به اتفاق نمایندگان خود موفق شدند کارگر-ان اجزایی را بسر کار باز گردانند و نیز حقوق نصف مدت

بیکاریشان را نیز گرفتند (البته حداکثر حقوق مدت بیکاری ۴۵ روز بود) . از خواسته‌های دیگر کارگران، اضافه حقوق بود. نمایندگان کارگران لیستی از اضافه حقوق تهیه کرده و با خود به تهران می برند (۱) - (اواخر فروردین ماه) - و از مدیر عامل کل شرکت ماشین سازی پارس فسریدی بنام ترك زاده (قول می گیرند که این لیست را قبول کرده و بر طبق آن، روز ۸ اردیبهشت، پول بساری کارگران بفرستد .

روز ۸ اردیبهشت پول نمی رسد و روز ۹ اردیبهشت از تهران خبر می رسد که با اضافه حقوق مورد دلخواه شما موافقت نشده است. به محض رسیدن این خبر به گوش کارگران، آنها دست از کار می کشند و دفاتر اداری شرکت ماشین سازی را نیز تعطیل می کنند. در همین حال ما مورین کمیته امام سر میسند و علت اعتصاب را جویا میشوند نمایندگان علت را به آنها توضیح می دهند، سپس یکی از آنها برای کارگران سخنرانی می کند و از آنها می خواهد که اعتصابشان را شکسته، بسر کار بروند. ولی، کارگران قبول نمی کنند، قرار می شود که نمایندگان کارگران به کمیته کار و امور اجتماعی در اهواز رفته و با مسئولین کمیته صحبت کنند...

پسر زومی کارگران "توساک"

چرخهای کارگاه ما بدون وجود کارفرما بدست کارگران بکار افتاد

واقع هنگامی آغاز شد که کارفرما همه (۱۰ نفر کارگر) را در تاریخ ۵۸/۱/۱۵ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد. هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج شرکت مراجعه کردیم، با استیصال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم ولی ما نبرایمیدیم. مقاومت کرده و در همانجا تحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود نکند داشتیم که البته بعدا بوسیله ما موران مسلح کمیته فراری داده شد. در ضمن تحصن با مراجعه به وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام، خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نشد و همه جا جواب سر بالا شنیدیم. ناچار دست به اعتصاب غذا زدیم. ۲۵ روز تحصن همراه با ۴ روز اعتصاب غذا. نتیجه؟ هیچ!

در حالی که بازوان پرتوان ما بی عمل و بیجه‌های ما گرسنه‌اند، در حالیکه بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه‌ها، میهنمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است، در حالیکه رهبرانقلاب، ضرورت بکار انداختن چرخهای اقتصادان ملکت را بارها متذکر می‌شوند، در حالیکه چرخهای کارگاه ما در حال زنگ زدن و از کار افتادن بود،

چه باید می‌کردیم؟ برای ما کارگران فقط یک راه باقی بود آن؛ گرفتن کارگاه در دست خود و بکار انداختن چرخهای آن بنا

اتکاب به نیروی خود.
به این ترتیب روز یکشنبه ۹ اردیبهشت به کارگاه رفته و بعد از تعمیر دستگاهها و تقسیم کار، دست به کار تولید و فروش شدیم.
دو روز کار بدون کارفرما و اعمال مزد و رش به ما چه آمخت؟ در همین دو روزی که ما کارگران، خود اداره کارگاه را در دست گرفته ایم باین نتیجه رسیدیم که:

- ۱- ما قادر به تولید تنها برابر، بلکه بیشتر از سابق هستیم.
 - ۲- میتوانیم هزینه ها را به حداقل برسانیم.
 - ۳- بدون وجود عاملین کارفرما، علاوه بر نحوه صحیح تقسیم کار، محیط کار صمیمانه ای هم بر ایمان ایجاد شده است.
 - ۴- ما خود میتوانیم کنترل تولید و فروش را در دست داشته باشیم.
- و به این ترتیب ما به کار خود ادامه میدهم و هیچ کس و هیچ نیروی نمی تواند ما را از این راهی که انتخاب کرده ایم منصرف کند. ما با این اقدام انقلابی خود ثابت کردیم که: کارگران میتوانند باید کارخانه های تعطیل شده بوسیله کارفرمایان ضد انقلابی را بکار اندازند.

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه "توساک" (۵۸/۲/۱۱)

(۱) - اضافه حقوق برای همه کارگران یکسان نبود و بین ۱۵ تا ۱۲ درصد بود، کارگرانی که سطح حقوقشان پائین بود. از اضافه حقوق بیشتری برخوردار می شدند. ولی، متوسط اضافه حقوق بطور کلی ۵۰ تا ۶۰ درصد بود.

نمونه‌ای از ابقای ضد انقلابی با دست‌های سابق

• برای مقابله با معضلات، طرح تشکیل گروه شبه نظامی راه داده بود.
• برای تصفیه این فرزند خواست اکثریت در نظر گرفته شد.

- ۳ - سید عبدالله مستطای : یکی از رؤسای کارخانه 400 و بسیار مرفه است .
 - ۴ - شکر خدا بهمنی : فالانژ روشنفکر ، تکمیلین اداره تهیه گاز و گاز مایع .
 - ۵ - شماسی : کارمند ارشد گاز و گاز مایع . فالانژ، صاحب ویلا و تحصیل کرده انگلستان است . او بزرگ فالانژ صنعت نفت محسوب میشود و عمده رهبری شورای گاز و گاز مایع در دست اوست .
- بیشترین اعمال نفوذ را در شورای انقلابی صنعت نفت ! (که نماینده گاز و گاز مایع در آن شورا است) انجام میدهد . او پسریکی از حاجی های متمول بازاری باشد .

کارگران دلیرو پیشرو صنعت نفت پس از قیام ، مبارزه خود را برای تصفیه عناصر ضد انقلابی و کسانی که در گذشته با رژیم شاه خائن همکاری وسیعی داشته اند آغاز کردند . اما در این راه با ممانعتهای فراوانی از جانب مقامات مسئول روبرو شدند . فشار انقلابی آنها تا بدان حد بود که عملاً هیئت مدیره شرکت رابکار و اداره استعفا نمود که بلافاصله در موضع خود ابقا شدند . تمام تصایح آشتی جوانه که کارگران و کارمندان مبارز را به سازش با حتی سردسته ها و طراحان ضد انقلابی دعوت مینماید . کارگران و کارمندان مبارز شرکت نفت ، مبارزه بحق خود را برای تصفیه عناصر وابسته ادامه میدهند . در زیر نمونه ای از اعمال مقامات مسئول و عناصر سازشکار را برای زیر پا گذاشتن خواست اکثریت توده های کارگر و کارمند میآوریم :

- ۱ - منجزی : یک کارگر (NGL - 400) آرنستوکرات است .
- ۲ - علی صالح مرادی : رئیس کارخانه 600 چند واحد خانه دارد که به شرکت اجاره داده است . و برخورد های بسیار بوروکراتیک با توده های کارمند و کارگر دارد .

۱ - انتخاب نمایندگان کارکنان : تعیین و انتخاب چنین نمایندگانی از طریق دموکراتیک که مورد قبول کامل کارمندان و کارگران باشد کاملاً حیاتی و ضروریست و میبایست در اسرع وقت انجام شود .

۲ - تشکیل کمیته رهبری و سازمان مواجهه با اعتصاب : تشکیل چنین کمیته و سازمانی از طرف شرکت ملی نفت ایران برای هر یک از شرکتهای تابعه کاملاً ضروریست . این سازمان باید در هر مورد تعیین کننده سیاست مواجهه با آن مورد معین باشد . عملیات رهبری ، مذاکره ، تصمیم ، تبلیغ و روابط عمومی و روابط خارجی باید در چنین سازمانی متمرکز گردد . بدون چنین سازمانی عملیات موفقیت آمیز و سریع مواجهه با اعتصاب مقدور نیست . تشکیلات چنین سازمانی باید قبلاً داده شده باشد و برنامه اش معلوم باشد و وسائلی تهیه و ذخیره شده باشد .

دراورها و قضاوت کننده ها و تشکیلات دهنده های با هوش و مطلعی باشند که نسبت بوقایع فکر و دید روشنی - بینانه ای داشته باشند و در عین حال بیح کتنده های منطقی و فروشنده گان موفق عقاید و آرا باشند .

۳ - نیروی انسانی ذخیره برای عملیات اضطراری : ایجاد نیروی انسانی ذخیره ای که در مواقع اضطراری راساً و عملاً بهره برداری و عملیات قسمتهای حیاتی شرکت را بعهده بگیرد لازم بنظر میرسد . چنین سازمانی در شرایطی وارد عمل میشود که نیروی معمولی کارکنان بدلیل عمده ای از قبیل اعتصاب ، شورش ، جنگ و یا خرابکاری های عمده از هم پاشیده شده باشد .

افراد این سازمان فقط در مواقع اضطراری تحسین و تسلیب و مقررات ارتشی باشند در این مواقع رفتار با آنها و مجازات آنها تحت قوانین ارتشی باشد . منابع انسانی لازم برای چنین سازمانی میتواند یکی مجموعه ای از منابع زیر باشد .

- الف - افراد ارشد شرکت بعد از یک کارآموزی ممتد
- ب - کارگران با کارمندان داوطلب داخل شرکت با سابقه و تجربه مربوطه
- ج - افراد ایرانی و غیر ایرانی خارج از کمپانی که بسک کارآموزی و مانور طولانی را بگذرانند .
- آموزش و مانورهای مستمر زیادی لازم است تا تیم های مؤثری را در این مورد برای کارهای معینی سازمان داد بدیسی است این تیمها بیشتر برای نقاط استراتژیک مخصوص تشکیل و تربیت شود و بکارگرفتن تیمی که برای یک واحد معینی تعیین شد در واحدهای دیگر شاید برای بهره برداری های مختلف عملی باشد ولی در قسمت های کار و گاز مایع و تصفیه خانهها میبایست برای کار مخصوص در کارخانهها بخصوص آموزش ببینند و تربیت شود .

در مقابل کار و تقبل تعهدی که این افراد میکنند افزایش حقوق بخصوص شبیه حق کارگاهی درست شود که در مواقع ذخیره نفت درصد کوچکی از حقوق معمولی و در مواقع کار واقعی و اعتصابات ۲۰۰ الی ۳۰۰ درصد حقوق معمولی باشد که داوطلبین لازم را جذب نماید .

۵ - برنامه دقیق و جزئی عملیاتی برنامه جزئی و کامل تهیه وسائل حفاظت ، امکان سکونت در محل وسائل حمل و نقل ، ارتباطات رادیو تلفنی طرق حفاظت خانواده ها و اموال اشخاص و روشهای جزئی پنهانکاری کامل از هم اکنون تهیه و موقع اجرا گذاشته شود .

۶ - سیستم های خودکار و کنترل از راه دور برای واحدهای بهره برداری مجهز کردن تعدادی از کارخانه های بهره برداری با سیستم های خودکار کامل و تلوزیونی مدار بسته و کنترل از راه دور کاملاً مقدور و آیین است . برای ساده کردن عملیات بهره برداری نفت تقلیل تعداد مرحله های بهره برداری از ۴ و ۵ مرحله به ۳ یا ۲ مرحله ضروریست .

جناب آقای جهانگیر روفی سرپرست عملیات اکتشاف و بهره برداری شرکت ملی نفت ایران

نوشته زیر تجزیه تحلیلی است که اینجانب از اعتصابات اخیر کارکنان و موقعیت شرکت میکم . چون شامل مطالبی است که سیاستهای کلی شرکت را در بر میگیرد و شامل سرمایه گذاریها و خرجهای عملیاتی است و لزوماً احتیاج به تصمیم هایی در سطح عالی مدیریت دارد لذا مستقیماً شما نوشته میشود و در صورت موافقت در سطح دیگر نیز طرح میشود .

تجربه اعتصابات اخیر در شرکت خاص خدمات نفت ایران نشان داد که این سازمان شاید مانند سایر سازمانهای دیگر شرکت ملی نفت ایران در مقابل عمل دستجمعی یک پارچه ای چون اعتصاب اخیر نه تنها آمادگی مقابله ندارد بلکه کاملاً بی دفاع و تسلیم است . بررسی بعضی از علل عمده ایمن جریان کتکی برای کشف کمبودها و تجهیز بهتر نیروها برای مقابله آن با چنین حوادثی است .

اگر با فکری روشن و بی طرف به موضوع نگاه کنیم علل عدم تقویت شرکت در مقابل موفقیت آمیز با اعتصاب اخیر بقراری بنظر میرسد .

۱ - در گذشته اعتصابات مهمی وجود نداشته و بالنتیجه هر دو طرف اعتصاب (کارکنان و شرکت) در این مورد کاملاً بی تجربه بوده اند و در جریان اعتصابات اخیر دنیا را در حوادث شونند .

این ادعا هم در مورد شرکت و هم در مورد عمده کسیری از کارکنان و نمایندگان کارکنان صادق است و تنها معدودی از رهبران اعتصاب بودند که واقعا در پیشاپیش حوادث حرکت میکردند و از اتفاقات بنبخ خود استفاده می نمودند یا بزبان دیگر برنامه داشتند و فکر و پیش بینی میکردند و عکس العمل خود را در مقابل حوادث بررسی نموده بودند و راههای دیگر زنده نگهداشتن اعتصاب را بررسی کرده و اجرا مینمودند .

۲ - در گذشته سازمانهای دولتی وجود داشته اند که ابتکار عملیات را در دست داشته و بطور خود کار از شرکت حمایت میکردند و بالنتیجه یک سیستم خود سانسوری و خود کنترل بر سیستم غالب بوده و بطور کلی شرکت احساس احتیاجی برای خودکامی در مقابل چنین جریاناتی نداشته و ندارد .

۳ - عمده وجود نمایندگان مسئول و یک سازمان رسمی هدایت کننده و هتکوکننده در هر دو جنبه (شرکت و کارکنان) کاملاً چشم میخورد و بدون چنین سازمانی از دو طرف کمبود قبول انتخاب کنندگان باشد هرگونه مذاکره ، ارتباط و رهبری بطور کلی زمان گیر ، کم نتیجه ، و مخشوش خواهد بود .

۴ - سازمان خاص اسکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرستلی ، کارآئی پائین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان ، تراکم کارمندان خارجی در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنبخ ادامه اعتصاب عمل نموندند .

۵ - یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زمان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قایم داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت قرار نیندازد راه هایش بهیچ وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد . بهره تقدیر این موضوع خیلی دیر فهمیده شد و اگر موقع استنباط شده بود شاید روی مسائلی خیلی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نرفت .

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیششهادتات زیر منطقی و معنی بنظر میرسد .

نامه ای که بدنبال این سطور می آید بتاريخ ۷/۱/۴ از طرف علی گرامی رئیس اداره گاز و گاز مایع خطاب به جهانگیر روفی سرپرست عملیات اکتشاف و بهره برداری شرکت ملی نفت به منظور ادامه راه حل های مناسب مقابله با اعتصاب کارکنان صنعت نفت نوشته شده است . این سند و اسناد دیگر ، توسط کارکنان صنعت نفت بدست آمده و از آنها برای تصفیه عناصر مزدور رژیم سابق و پاکسازی صنعت نفت استفاده میکنند . در این نامه علی گرامی روش های مقابله با اعتصابات و پیشگیری آن را به روفی ارائه میدهد و بخصوص طرح یک نیروی ذخیره برای عملیات اضطراری با انضباط و دیسپلین ارتشی را پیشنهاد میکند و نقش ضد انقلابی خود ش را بسه وضع نشان میدهد .

در رابطه با تشکیل شوراهای و کمیته های انقلابی در شرکت نفت به منظور تصفیه افراد ضد انقلابی و پاکسازی صنعت نفت در روز یکشنبه ۵/۱/۴ جلسه پاکسازی گاز و گاز مایع از ساعت ۱۱ صبح تا ۵ بعد از ظهر با شرکت کارکنان و کارمندان اهواز ، آغاچاری ، گچساران ، ماهشهر ، در اهواز تشکیل شد تا نسبت به موضوع پاکسازی محیط کار تبادل نظر و تصمیم گیری کند . این جلسه بدعوت کمیته اداره گاز و گاز مایع اهواز و با توجه به توصیه های حسن نزیه - مدیرعامل شرکت نفت - برگزار میشود . ترکیب کمیته انقلابی گاز و گاز مایع عبارت از ۴ کارمند و ۱ کارگر است که زیر نفوذ و رهبری مستقیم شماسی که از کارمندان با سابقه است می باشد . این کمیته تحت تاثیر شماسی است و شماسی نقش مهمی در تصمیم گیریهای کمیته دارد .

در این جلسه شکایاتی که کارکنان و کارمندان از عده ای (کارکنان) داشتند مطرح شد و پس از اینکه فرصت کافی برای توضیح به طرفین داده شد ، جمع حاضر با رای مخفی درباره کسانی که مورد اتهام قرار گرفته بودند نظر خود را ابراز داشت . یکی از آقایانی که مورد بازخواست و اتهام قرار گرفت همین جناب علی اشرف گرامی بود که طرح مقابله با اعتصاب را پیشنهاد کرده بود . در این جلسه ۳۲ نفر رای به ابقا ، ۴۳ نفر رای به فرصت دادن و ۷۳ نفر رای به برکناری دادند و بطوریکه اینک ۷۳ رای از مجموع ۱۴۸ رای دایر بر برکناری و ۴۳ رای فرصت بود شورای انقلابی ! ! به او فرصت داده و عملاً در دست خودش ابقا کرد . در این طرح با افراد ۳ نفر دست داد میشود و بعد از این اقسای مدت در اجتماع کارکنان رای گیری میشود تا رای خود را اظهار کنند . این تصمیم گیری به وضع ماهیت شورای به اصطلاح انقلابی گاز و گاز مایع بر رهبری شماسی را نشان میدهد که چگونه یک عنصر ضد انقلابی سازش میکند گرامی در عرض یکسال گذشته با گریه رقصانی های خود (در رژیم شاه) ایمن مدایح را طی کرد : رئیس مهندسی گاز و گاز مایع ، رئیس اداره عملیات گاز و گاز مایع و آخرین سمتش معاون مدیر گاز و گاز مایع بود و الان عملاً (نه رسماً) سرپرست گاز و گاز مایع است (گفتنی است که آقای نزیه مدیرعامل نفت به علت فشارهایی که از پائین به او وارد شد بخش نامهای صادر کرده و گفته تمام رؤسا و مدیران مؤتی هستند و حالا برای راه افتادن نفت با آنها بسازید و کم کم تصفیه میشوند به همین جهت شغل ها فعلاً رسمی نیست ولی درنمایم هست که نشان میدهد که اینها ابقا میشوند)

روفی که نامه به او نوشته شده در حال حاضر رئیس مناطق نفت خیز جنوب است قبلاً رئیس کل تولید و اکتشاف (قبل از قیام) بود که در زمان انصاری از معاونت OSO شرکت خاص خدمات) به ریاست OSO و شرکت های حامل نفت تبدیل شد . الان رئیس بلاواسطه OSO ، شرکتی عامل نفت و عملیات غیر نفتی مناطق نفت خیز است - چون OSO با شرکت ملی یکی شده است .

روفی وعده ای از مدیران و رؤسا باندی را تشکییل میدهند که در اس آن روفی است ، گرامی (که هر دو قزوینی هستند) تهرانی (مدیر مهندسی نفت) ، سراجی (مدیر پرستل) و عده ای دیگر از جمله جویاچی اعضای این انستد هستند برای ارتقاء یکدیگر میکوشند (آنها روابط فامیلی دارند) و محل تجمعشان باشگاه اهواز است غیر از اینها بانسد دیگری هم هست که محل تجمعشان باشگاه گلف است و برخی عناصر آن دستگیر شده اند (نقشینه و . . .) .

اعضای کمیته انقلابی گاز و گاز مایع که این تصمیم را گرفته اند ۴ کارمند و ۱ کارگر به اسامی :

رفقا! در یک قرن پیش، کارگران همه کشورها تصمیم گرفتند که این روز، اول می را همه ساله جشن بگیرند.

در سال ۱۸۸۹ در پاریس بود که کارگران در کنگره سوسیالیستهای همه کشورها تصمیم به اعلام صریح این روز (اول می) کردند، و قتیکیه طبیعت از خواب زمستانی بیدار میشود، هنگامیکه جنگلها و تپه ها نمای سبز بخود میگردند و کشتزارها و مرغزاران خود را با گلها آرایش و زینت میدهند زمانیکه خورشید با گرمی و حرارت بیشتری میدرخشد شادمانی فضا را برمیگیرد و طبیعت نمای رقصی و شادمانی بخود میگیرد، آنها تصمیم به اعلام صریح، آشکار و رسای این روز را به همه جهان گرفتند، که کارگران بهار را برای انسان می آورند و آزادی از یوغ سرمایه داری را، این وظیفه و کارگران است که جهان را بر اساس آزادی و سوسیالیسم، تازه و نو کنند. هر طبقه ای جشنهای خاص خود را دارد. اشراف جشنهای خود را بر پا می دارند، و در آنها "حق" غارت کردن دهقانان را به خود میدهند. بورژوازی جشنهای خود را دارد و در آنها "حق" استثمار کارگران توسط بورژوازی "توجیه" میشود. روحانیون نیز جشنهای خود را دارند که در آنها اوضاع و سیستم موجود یعنی مرگ زحمتکاران در فقر و تنگدستی کامل و غلبیدن عده ای در خوشگذرانی و عیاشی را ستوده و مدح میکنند.

کارگران نیز میبایستی جشن خاص خود را داشته باشند، و در آن باید اعلام نمایند: کار، آزادی، برابری عمومی همه انسانها، این جشن، جشن اول می است.

این است آنچه که کارگران در سال ۱۸۸۹ مقرر داشتند.



۷- تهیه گاز خشک

استفاده از منابع زیرزمینی گازهای خشک با فشار متوسط حدود ۱۰۰۰ پوند و هریچ مربع بعد از گذشتن از یک (شیر خشک کننده) در مودلهای شیبه و کوچک کاملا عملی است و حتی بدون سرپرست هم کار میکند و جدا کردن مایعات سرد شده در سیراتورهای نفت ویا گاز.

۸- تهیه گاز مایع

ایجاد سیستمی که از تانکهای ذخیره پروپان و بوتان بندر ماهشهر برای تهیه ای بی جی به مقدار بیست هزار بشکه در روز استفاده بکنند کاملا عملی و مقدروراست.

۹- اتصال کارخانه گاز مایع ۱۰۰۰ به سیستم شرکت ملی گاز بیدینسند و ایجاد پای پارس با ظرفیت زیاد در حوالی کپرسرهای شرکت گاز امکان مناسبی برای ارسال گاز خشک از منبع گاز پازان در زمانهای خیلی اضطراری شمال کشور خواهد بود و این طرح بعلت وجود چاهها و شبکه جمع آوری گاز پازان و استفاده از یکی از کارخانه های ۱۰۰۰ برای خشک کردن گاز خرج زیادی ندارد و از سال دیگر قابل اجراست.

بعد از سه سال دیگر سیستم شاه لوله دم گاز هم که از منابع زیرزمینی گاز تخمیه میشود تولید مطمئن تری را در اختیار شرکت گاز میگذارد اتصال این دو سیستم بهمدیگر لازمست.

بطور کلی اینجانب برای توسعه طرحهای بالا آماده ام.

با کمال احترام - علی گرامی
اداره گاز و گاز مایع

شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران
اهواز

از آن پس تا کنون فریاد رزم کارگران سوسیالیست در تجمعات و مظاہراتها در اول می بلندتر و رساتر به صدا درآمده است. اقیانوس جنبش کارگری بیشتر و بیشتر رشد میکند، در کشورها و ولایات جدیدی از اروپا و آمریکا تا آسیا، آفریقا و استرالیا گسترش می یابد. در طی فقط چند دهه اتحادیه سابق و ضعیف بین المللی کارگران در رشد خود به برادری بین المللی قوی و نیرومندی رسیده است که کنگره های معمولی بر پا داشته و میلیونها کارگر را در همه قسمت های مختلف جهان متحد میسازد. دریای خشم پرولتاریا امواج سختی بخود دارد، و هرچه بیشتر و قاطعتر سنگرهای متزلزل سرمایه داری را تهدید میکند. اعتبار عظیم کارگران معدن که این اواخر در بریتانیا کبیر، آلمان، بلژیک، آمریکا و... در گرفت، و ترس بزرگی در قلب های استثمارگران و حکمرانان سراسر جهان بوجود آورد، نشانه روشنی از نزدیکی انقلاب سوسیالیستی می باشد...

ماگساله طلائی را پرستش نمکنیم!
ماسلطه بورژوازی و ظالمان را نمی خواهیم!
مرگ بسر سرمایه داری و وحشت فقر، تنگدستی و خونریزی!

زنده باد سلطه کارگران!
زنده باد سوسیالیسم!
این آنچه است که کارگران آگاه همه کشورها در این روز اعلام میدارند.

آنها با اطمینان به پیروزی، آرام و قوی، بسوی میعادگاه سوسیالیسم پیروزمنده، مفتخرانه راه پیمائی میکنند، گام به گام ندای کبیر کارل مارکس: "کارگران سراسر جهان متحد شوید!" را پاسخ میگویند. این چنین است جشن اول می کارگران در کشورهای آزاد.

کارگران روسیه از آن هنگام که موقعیت خود را درک کردند، که نباید کند کند بدنبال رفقای خود درآیند همیشه هم آواز با رفقای خارجی خود بوده و مشترک با آنها علیه منغ وحشیانه از طرف حکومت تزاری اول می را جشن گرفته اند.

الواقع در دو یا سه سال گذشته در خلال دوران عیاشی و مستی ضد انقلاب و سنیظمی و اخلاص در حربه احطاط صنعت، بیعلاقگی سیاسی توده ها، کارگران روسیه قادر نبودند که جشن کارگری پیروزمنده خود بر پا دارند. اما با تجدید شدت فعالیتها بر که این اواخر در کشور صورت گرفته است، اعتقاد با اقتصاد و اعتراضات سیاسی کارگران در رابطه با آنها همراه با دادرسی نمایندگان سوسیال دموکرات در دوامی دوم، رشد ناراضی در میان اقشار مختلف دهقانان بعلت محطی که تا کنون بیش از بیست منطقه را فرا گرفته و اعتراضات صدها هزار کارگر فروشاها علیه سیستم "جدید" محافظه کاران روسی، همگی نشان دهنده پاسان بیحالی، رخوت و سستی، و جاگزینی تجدید حیات سیاسی کشور و مقدمات در میان پرولتاریا میباشد. این است علت آنکه اصمال کارگران روسیه میتوانند و با سستی در این روز دست خود را بدست رفقای خارجی خود بدهند. و به همین علت آنها باید اول می را بهر طریقی همراه با آمان جشن بگیرند.

آنها بایستی امروز رسماً به اطلاع عموم رسانده و تصریح نمایند که همیشه در کنار و همراه رفقای خود در کشورهای آزاد هستند، آنها گوساله طلائی را پرستش نکرده و نخواهند کرد.

آنها بعلاوه خواست عمومی کارگران همه کشورها، باید خواست خود را برای سرنگونی تزاریسم و برقراری جمهوری دموکراتیک اضافه و اعلام دارند.

ما از استبداد و سنگری متنفر و بیزاریم!
ما به شهدا افتخار میکنیم!
"مرگ بسر تزاریسم خونخوار!"
مرگ بر سنگمگری کارفرمایان در کارگاهها، کارخانه ها و معادن! زمین برای دهقانان! هشت ساعت کار روزانه برای کارگران! جمهوری دموکراتیک برای همه روسیه!
اینها نیز آنچه است که کارگران روسیه بایستی در این روز اعلام نمایند:

اینکه اکنون در برابر نیکالی آخر لیبرالهای روسی خود و دیگران را اطمینان مدهند که تزاریسم خود را در روسیه تثبیت کرده و قادر به پاسخگویی احتیاجات موملی و اولیه مردم است بخاک بابعد سپرده شود.

اینکه لیبرالهای روسی در همه حال از واژ مرگ انقلاب را سر میدهند و سیستم "جدید" را موعظه میکنند چیزی جز ریا، دورویی و فریب نیست. به اطراف بنگرید! آیا روسیه جنگنده شبا هستی به کشوری "نو" و "با حکومت" دارد؟ به عوض یک قانون اساسی دمکراتیک - یک رژیم اعدام و ظلم و استبداد وحشیانه!
بجای یک پارلمان خلقی، دوامی سیاه ملاکین ارتجاعی!

بعوض "بی ریزی پایداری آزادیهای اجتماعی، بجای آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات، اتحادیه ها، سازمانها و اعتصاب و وعده داده شده توسط مانیفست ۱۷ اکتبر، دست مرده "احتیاط" و "جلو گیری"، بستن روزنامه ها، تبعید مدیران روزنامه ها، توقیف کتابها و حمله به تجمعات!
بجای مونیتهای فردی، کتک زدن در زندانها، تعدی و تجاوز به هموطنان، جلوگیری خونین اعتصابیون در معادن طلائی!

بعوض پاسخگویی به احتیاجات دهقانان، سیاه ست هرچه بیشتر راندن توده های دهقانی از زمین! بجای یک اداره، اجرائی منظم و دستورپذیر، دزدی کارپردازان، دزدی در اداره مرکزی راه آهن، هن، دزدی در اداره جنگلیاری، دزدی در اداره نیروی دریائی!

به عوض نظم و دستور در ارگانهای حکومتی - جعل اسناد در دادگاهها، گوش بیری و باج سبیل گرفتن توسط ادارات با زجوشی جناشی، قتل و تخریب کار ادارات پلیس مخفی.

بجای عظمت بین المللی دولت روسیه، ورشکستگی ننگین "سیاست" روسیه در خاور دور و نزدیک و نقش قصابی و غارتگری در امور ایران خونین!
بعوض آسودگی خاطر و امنیت برای مردم - خود کشی در شهرها و وحشتگرستی میان سی ملیون دهقان در نواحی روستائی!

بجای اصلاح و پاکسازی معنوی، هرزگی باور نکردنی در موعظه ها، این سنگرهای رسمی اخلاقی و معنوی!
و برای کامل کردن تصویر، تیرباران وحشیانه صدها رنجر در معادن طلائی لنا!

هم اکنون این ویرانگران آزادیها، پرستندگان و ستاسگران چوبه های دار و جوخه تیرباران، مخترعین "احتیاط" و "توقیف"، کارپردازان دزد مهندسین دزد، پلیس را هن، پلیس مخفی قصاب، راسیو تین های هرزه را در آغوش دارند، اینها هستند "نوکرایان" روسیه!
و هنوز موجودند افرادی در جهان که این سیرمی و گستاخی را دارند که بگویند همه چیز در روسیه خوب و انقلاب مرده است!

نه! رفقا، آنجا شیکه میلیونها دهقان، نگر سنگی میکنند و کارگران بخاطر اعتصاب بخون کشیده میشوند انقلاب تا پاک کردن رسوائی و ننگ بشری، - تزاریسم روسی - از صفحه زمین زنده خواهد بود. و در این روز، اول می، ما با سستی بهر طریقی در میتینگها، اجتماعات توده ای یا در تجمعات مخفی - هرکدام که مقتضی است - بگوئیم که ما خود را در گرو جنگ برای سرنگونی کامل سلطنت تزاری گذاشته و انقلاب آینده روس را زنده میگوئیم خوش آمد میگوئیم

پس بگذارید که دستا خود را در دستهای رفقا - یمان در سراسر جهان گره کرده، اعلام داریم: مرگ بسر سرمایه داری!
زنده باد سوسیالیسم!

بگذار پرچم انقلاب روسیه که این نوشته ها را حمل میکند در اهتزاز در آوریم: سرنگون ساد سلطنت تزاری!
برقرار باد جمهوری دموکراتیک!
رفقا! ما امروز اول می را جشن میگیریم!
زنده باد اول می!

زنده باد سوسیال دموکراسی بین المللی!
زنده باد حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه!
کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه
کلیات آثار، جلد دوم
آوریل ۱۹۱۲

مقدمه :

دشمنان و دشمنان های قیام را به چگونگی شکل گیری خود - های مردم بصورت ملت و علل پیدایش جنبش های ملی - نقش و رسالت آن مختصراً بحث نموده و راجع به موضوع و برنامه ، مشی دمکراتیسم پیگیری در قبال ملیت ها سخن گفتیم . در این شماره میخواهیم بدانیم که بورژوازی در این مورد چه نقشی ایفا میکند و برخورد آن نسبت به مسئله خلقها چگونه است و آیا توان آنرا دارد که بتواند در شرایط حساس کنونی موضع گیری انقلابی اتخاذ نموده و خلقها را در صفوف متحد و بهم فشرده در جهت ادامه و پیگیری انقلاب تا تأمین پیروزی نهائی بر امپریالیسم هدایت کند ؟ دیدگاه و نقطه نظرهای بورژوازی را نسبت به "ملت" بشناسیم ...

بهنگام بررسی نقش و موضع بورژوازی در قبال مسئله ملی در شرایط مشخص کشور خودمان که توده های مردم آن به از یک ملت واحد نظیر فرانسه ، بلکه ترکیبی از ملیت های مختلف میباشد ، بایستی بین بورژوازی بزرگ حاکم و بورژوازی ملیت های تحت ستم فرقی قائل شد . بدین معنی که اگر چه ناسیونالیسم به متعلق به ملت بزرگ و ستم گر و چه متعلق به ملیت های کوچک و ستم دیده باشد ، متناً طبقاتی مشترکی داشته ، محصول دوران سرمایه داری می باشد ، ولی ناسیونالیسم ملت بزرگ ستمگر با ناسیونالیسم ملت کوچک تحت ستم تفاوت دارد . ملت بزرگ میخواهد ناسیونالیسم خود را بملیت های کوچک تحمیل کند و آنها را به اطاعت اجباری از خود وادارد . به همین جهت ناسیونالیسم ملیت های کوچک را در نظر نمیگیرد و نسبت به آنها ستم ملی را روا میدارد . این عمل ، احساسات ملیت های کوچک را برانگیخته و به موضع گیری در برابر ملت بزرگ ستمگر و دفاع از غرور ملی خود میکشاند . سیاست های بورژوازی در برخورد با این مسئله باعث میشود که توده های نا آگاه ملیت های کوچک و ملت بزرگ به صف آرائی در مقابل هم تن در داده ، و بجای تحکیم اتحاد و همبستگی برای مبارزه متحدانسه جهت سرنگونی و نابودی کامل سلطه بیگانه و ستمو استعمار فردا ز فرد ، به جدائی از همدیگر و حتی کین و نفرت نسبت بهم سوق داده میشوند . در این موقعیت توده های زحمتکش تحت تاثیر شدید اندیشه های مسموم ناسیونالیستی بورژوازی قرار نمیگیرند و به این طریق راه برای اجرای سیاست های ضد مردمی بورژوازی باز میشود . طبقه کارگر که برای نابودی کامل هرگونه ستم و استعمار فردا ز فرد مبارزه میکند ، برای رهایی خود و تمامی زحمتکشان مصرانه و قاطعانه خواهان رفع هرگونه ستم و از جمله ستم ملی در هر شکل و در هر قالب میباشد و از این رو از مبارزات ملی ملت کوچک در برابر ناسیونالیسم ستمگر ملت غالب ، مادامکه این مبارزات ملی جنبه مبارزه بر علیه ستمگری و زور گویی داشته یعنی عادلانه باشد ، مادامکه این مبارزه ملی جنبه دمکراتیک و ضد امپریالیستی داشته و تحت تاثیر اندیشه های ارتجاعی ناسیونالیستی مسموم نشده باشد ، دفاع و پشتیبانی میکند . ولی همانطور که در قیام نیز در باره چگونگی این دفاع و برنامه مشی دمکراتیسم پیگیری سخن گفتیم پرولتاریا هر نوع خواست دمکراتیک از جمله آزادی از بند ستم ملی را برای رسیدن به اهداف دوران ساز خود طرح میکند .

حال بیینیم برخورد بورژوازی با مسئله ملی چگونه است .

قبل از بررسی مشروح قضیه لازم است نکات زیر را مورد توجه قرار دهیم :

اولا : بورژوازی حاکم که با سازش بورژوازی لیبرال با بخشی از بورژوازی وابسته و انقلاب با خرده بورژوازی مرفه ، نتیجه قیام شکوخته مسلحانه توده ها و مبارزات انقلابی آنان را به ناحق عقب کرده و خود را " مدافع " ایران واحد یعنی ایرانی که از همه جهات بی جون و چرا در اختیار ارضای تمایلات او باشد می نامد بطرز سیاهی ناپذیر میل دارد بازار داخلی سراسری و وسیع قیام را برای فروش کالاها و رشد بی وقفه خود به بهای استثمار توده ها و تحمیل سیاست های غارتگرانه اش همچنان حفظ نماید . این تمایل و این خصلت بورژوازی حاکم را به موضع گیری شوونیستی و ستمگرانه نسبت بملیت های ایران سوق میدهد . (در اینجا وقتی از بورژوازی حاکم حرف میزنیم ، منظورمان رژیم سیاسی موجود و جهت امیلی حرکت آن میباشد که در چارچوب تأمین منافع بخشی از سرمایه داران وابسته قدیم و بورژوازی تازه بقسدرت رسیده در پوشش منافع ملیت بزرگ و غالب فارس و منطق با فرهنگ و زبان وی قرار دارد و الزاماً ضروری نیست

که کلیه عناصر این سیستم از فارسها باشد و امکان دارد عناصری نیز از بورژوازی ملیت های تحت ستم در قدرت حاکم نقش داشته باشد . ولی در این حالت این عنصر به هیچوجه نماینده منافع بورژوازی ملیت های تحت ستم نبوده ، تغییری در ماهیت سیستم و جهت حرکت آن نمی دهد و او نیز در این سیستم فقط و فقط در مقام نماینده بورژوازی حاکم انجام وظیفه میکند .)

درباره مسئله ملی (۳) موضع بورژوازی در قبال مسئله ملی

ناسیونالیسم ملت بزرگ ستمگر با ناسیونالیسم ملت کوچک تحت ستم تفاوت دارد

" وحدت کلمه " از نظر بورژوازی حاکم یعنی در جنگ گرفتن ناسیونالیسمی داخلی

ثانیا : در عصر حاضر که دولتهای " آزاد " سرمایه داری قرنهای ۱۸ و ۱۹ جای خود را بدولتهای امپریالیستی با شیوه های وسیع و عظیم انحصاری و غارتگر داده و در قالب مناسبات امپریالیستی یوغ اسارت و بهره کشی را برگردن کشورهای تحت سلطه از قبیل کشور خودمان افکنده اند ، تشکیل دولتهای مستقل و ملی فقط و فقط با قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن میگردد . به همین جهت اگر بورژوازی بخواهد به خواستو منافع طبقاتی خود مبنی بر ایجاد دولتهای مستقل و ملی برای ایجاد بازار داخلی " جامه " عمل بپوشاند ناچاراً مبیایستی رویاری سرمایه داری امپریالیستی قرار گیرد و با آن دست و پنجه نرم کند . اما بورژوازی " خودی " در عصر کنونی و احتضار سرمایه داران یا راری مبارزه با امپریالیسم ، پدر مقدس و بزرگ خانواده خود نیست . از اینرو بورژوازی در عصر حاضر در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم نمیتواند همچون بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹ که در صاف بر علیه امپریالیسم مترقی ، پیشرو ، با قدرت و پرچم دار بود ، عمل نماید . در ایجاد دولتهای مستقل و ملی عاجز ، متزلزل ، با پیگیری و ناتوان است . ما این واقعیت را مثل روز روشن ، با وضوح و عریانی تمام ، در سیاستها و عملکردهای بورژوازی حاکم خودمان بطور مداوم مشاهده نموده ایم . ما میدانیم که بورژوازی لیبرال ایران که اکنون بقدرت سیاسی دست یافته است (البته با همیاری و مدد خرده بورژوازی مرفه و سازش با بخش مغلوب سرمایه داری بزرگ وابسته) نه از درون یک پروسه مبارزاتی سر سخت بر علیه مناسبات کهن فئودالی و کلا مناسبات ماقبل سرمایه داری ، نه از درون یک مبارزه مداوم ، بر علیه رژیم سلطنتی و سلطه امپریالیسم ، بلکه بعکس بر زمینه یک تلاش لاینقطع برای به سازش و به بن بست کشیدن مبارزات انقلابی توده ها که درست در حال انجام وظائف فوق یعنی سرنگونی کامل سرمایه داری وابسته و نابودی هرگونه نفوذ و سلطه امپریالیسم و تشکیل دولت مستقل و ملی به اتکا قدرت مردم است ، و بر زمینه ضعف و نبود رهبری انقلابی - توده ای ، و ضعف آگاهی و تشکل توده ها بر سر قدرت قرار گرفته است . حاکمیت بورژوازی از یک موضع قدرت (همچون بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹) نبوده بلکه بعکس از موضع ضعف و ناتوانی است و بدین جهت و برای حفظ قدرت سیاسی خویش ناچار است در متوقف ساختن هر سه سریعتر انقلاب و تحکیم هر چه زودتر موقعیت خود بتلاش مذبحان های دست بزنند و بیش از پیش دست بدامن عناصر ضد مردمی و شیوه های ارتجاعی سابق دراز کند . وی مجبور است برای حفظ بقای خود اگر بتواند و رادیکالیزم جنبش نیز به وی اجازه دهد ، بهمان شیوه سابق عمل نماید . یعنی اگر بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹ خود مختاری فرهنگی یعنی آزادی صوری در زبان و فرهنگ را بر مسیبت مناسبات ملی و ملی با خود مختاری ارضی مخالفت نموده ، ملیت ها را در اربابرت اقتصادی (و در حقیقت اسارت فرهنگی نیز) نگه میداشت ، امروزه تزلزل و سازش کاری بورژوازی لیبرال ما را بر آن وامی دارد که حتی این خود مختاری صوری را نیز قبول نکند ، همین امر بر جنبه ارتجاعی و شوونیستی سیاست و عملکرد او در قبال مسئله ملی می افزاید .

ثالثا : بورژوازی در مناطقی که اقلیت های ملی ساکن هستند بعلت اینکه :

- ۱ - در این مناطق کم و بیش مناسبات کهن ماقبل سرمایه داری باقی مانده اند و رشد بورژوازی سبب رشد مناسبات نوین سرمایه داری میگردد که بمراتب مترقی تر از مناسبات قدیمی بوده به رشد نیروهای مولده و لاجرم رشد آگاهی و تشکل توده ها کمک شایانی میکند .

۲ - بورژوازی نیز به همراه توده ها و البته نه به اندازه آنها ، تحت فشار دولت مرکزی قرار دارد ، دارای جایگاه مترقی ای بوده ، جنبه های ملی بیشتر دارد و از اینرو نیز تمایل بیشتری برای احقاق حقوق ملی دارا میباشد .

مشی دمکراتیسم پیگیری از بورژوازی ملیت های کوچک بدلیل فوق پشتیبانی مشروط میکند . بدین معنی که این پشتیبانی تا زمانی ادامه دارد که مبارزات بورژوازی جلوه های ضد امپریالیستی داشته ، به تحقق حقوق ملی خلقها کمک رسد .

۱- بورژوازی حاکم

" اگر منظوره تجزیه طلبی و از از بین رفتن وحدت کشور است بهیچوجه قابل قبول نیست ، ولی اگر خود مختاری ، داشتن اختیار و مشول بودن در امور محلی است ، حتی پیش از قانون اساسی قدیمی ایالتی و ولایتی که منوط گردیده ، مورد قبول و پذیرش است البته خود مختاری اختصاص به یک محل نخواهد داشت و برای همه نقاط کشور است . " (کیهان - ۱۵ فروردین ۳۳ - نطق نخست وزیر دولت موقت)

این کل برداشت بورژوازی حاکم را از مسئله خلقها و خود مختاری نشان می دهد . در اینجا منظور بورژوازی از وحدت ، آن وحدتی است که بازار داخلی و سراسری را که منبع سرشار سود و سرچشمه سوداگری های پربار و غنسی برای وی باشد ، به ارمان آورد . بازاری که هر چه وسیع تر و هر چه سریع تر گالاهای وی را جهت فروش به اقصی نقاط کشورمان برساند ، بورژوازی فقط و فقط به بازار میاند . بشود ترس وی از " از بین رفتن وحدت " در واقع ترس از دست دادن بازار داخلی و سراسری است .

" ایوان واحد " و " وحدت " برای او نه اتحاد آزادانه و برادرانه خلقها برای بنای ایران آزاد و دموکراتیک و تأمین واقعی حقوق خلقها بلکه فقط و فقط در اطاعت خلقها از حکومت مرکزی بمنظور تأمین تمام قدرت برای بورژوازی ، برای حفظ بازار داخلی و سراسری ، (بهر نحوی که باشد) ، معنی میدهد .

میل سیری ناپذیر برای دست یابی به بازاری هر چه وسیعتر جلو دیدگان بورژوازی را گرفته و قدرت اندیشه درست را از وی سلب کرده است و بوی امکان نمی دهد تمایل دیرینه و عمیق ملیت ها را برای احقاق حقوق ملی خویش نابودی ستمگری و برتری دریابد . در نظر وی هرگونه عدلی و هرگونه خواستی که بخواهد به " وحدت کشور " یعنی بازار سراسری و منافع وسیع وی خدشه وارد سازد ، در حکم تخطی از مقدمات پاک بورژوازی بوده ، و نتیجتاً موافق حرکت انقلاب و مصالح میهن باشد " بهیچوجه قابل قبول نیست " . از نظر بورژوازی ، مبارزه خلقها برای احقاق حقوق ملی خود نه یک خواست عادلانه ، طبیعی و جز جدایی ناپذیر انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ، بلکه چون به خواست تما می قدرت برای او و " وحدت " بازار داخلی و سراسری وی لطمه وارد می کند ، بورژوازی آنرا حرکتی " ضد انقلابی " می خواند برای " نجات میهن " به سرکوب آن می پردازد . براحتمی می بینیم که بورژوازی لیبرال علاوه بر اینکه نمی تواند حق ملل را در تعیین سرنوشت خویش قبول کند ، علاوه بر اینکه نمی تواند به خود مختاری و حق تعیین سرنوشت خلقها و دادن زمین به دهقانان ریشنا به تنها شرط ادامه " انقلاب و تحکیم " وحدت " واقعی کشور جامه " عمل بپوشاند ، بلکه حتی فکر چنین اعمالی را نیز نمیتواند به مخیله خود راه دهد . نمیتواند درک کند چگونه در طول ۵۷ سال خلقهای ایران ستم و استثمار مضاعفی را تحمل نموده اند ، چگونه بعنوان مثال خلق عرب در سرزمین مادریش ، در سرزمینی که منبع ثروتها میگردان است به خاطر عرب بودن در رقت با برترین و سخت ترین شرایط زندگی بدتر از مرگ را از سر می گذراند و شدیدترین تعذیبات و توهین ها را به غرور ملی خود تحمل میکند .

در قلموس بورژوازی " کرد و فارس " فرقی ندارند ، همه ایرانی هستند و می بایستی تحت یک حکومت واحد و آنهم حکومت بورژوازی زندگی کنند . بهمین جهت هم " خود مختاری اختصاصی به یک محل نخواهد داشت و برای همه نقاط کشور است " . بازار داخلی و سراسری ما مانند خوره بجان بورژوازی افتاده و قدرت اندیشیدن را از وی گرفته است . او نمی تواند درک کند که کردها ، بلوچها ، عربها و ... هر کدام برای خود یک " ملیت " خاص و جداگانه ای را تشکیل میدهند و سالهای سال تحت ستم ملی ، فشار مضاعفی را بر دوش خود کشیده اند و اکنون برای اینکه بتوانند از این فشار و استثمار مضاعف رهایی پیدا کنند می بایستی با تلافی همه جانبه به جبران عقب ماندگی و ریشه کن ساختن مناسبات کهن اقدام کنند و با بی ریزی اقتصادی نوین و بارش و تکامل آزاد زبان و فرهنگ ملیشان خود را بصورت یک ملیت کامل و آزاد در آورده و

دست ناپاک "قیاده موقت" از کردستان کوتاه!

باند "قیاده موقت" دست در دست مرتجعین محلی، با ترور و ارباب، روستائیان کرد را بتنگ آورده اند. این میکربهای ویرانگر، که در فاجعه نطقه نسبز، بخوبی از عهده وظايف خداتقلای خود بر آمدند، به پشتیبانی عناصر مرتجع، از جمله علامه مفتی زاده، چندی است که عملیات ایدائی بر علیه خلق کرد براه انداخته اند.

شکوائیه زیر که به امضاء و گواهی ۴۴ نفر از نمایندگان "اتحادیه دهقانان مریوان و هورامان" رسیده است، نمایانگر گوشه‌ای از اعمال ضد انقلابی این دار و دسته مزدور میباشد:

شورای انقلاب اسلامی مریوان ۵۸/۱/۲۲
محرمانه اینجانبان نمایندگان "به کیه تی جوتیا- ران مریوان و هه ورامان" متشکل از ۳۰ آبادی معروض میداریم: همچنان که میدانید قیاده موقت یا جیره- خواران شاه سابق و وابسته های اویمی و پالیزبان در تاریخ ۵۸/۱/۱۳ در آبادی "وله زیر" دو نفر معلم به اسمی "عبدالله بودینان" و "هما یون گدازرگ" را گرفته و بعد از ایجاد مزاحمت و کتک کاری و توهین و تهدید با دخالت مردم آبادی آنها را مرخص کردند. در همانجا اظهار داشتند که "لیستی در اختیار داریم که باید همه اینها را نابود کنیم". در تاریخ ۵۸/۱/۱۹ در آبادی "گورگه‌ای" را محاصره و به مردم آبادی توهین های ناشایستی نمودند. بعد از تهدید آنها و ساز دیدگان "رشید نوروزی" نام، همان اظهاراتی را که در قریبه "وله زیر" نموده بودند تکرار مینمایند. و در بازگشت رشید نوروزی را گرفته چنان او را اذیت و کتک کاری

شورای انقلاب اسلامی مریوان ۵۸/۱/۲۲
محرمانه اینجانبان نمایندگان "به کیه تی جوتیا- ران مریوان و هه ورامان" متشکل از ۳۰ آبادی معروض میداریم: همچنان که میدانید قیاده موقت یا جیره- خواران شاه سابق و وابسته های اویمی و پالیزبان در تاریخ ۵۸/۱/۱۳ در آبادی "وله زیر" دو نفر معلم به اسمی "عبدالله بودینان" و "هما یون گدازرگ" را گرفته و بعد از ایجاد مزاحمت و کتک کاری و توهین و تهدید با دخالت مردم آبادی آنها را مرخص کردند. در همانجا اظهار داشتند که "لیستی در اختیار داریم که باید همه اینها را نابود کنیم". در تاریخ ۵۸/۱/۱۹ در آبادی "گورگه‌ای" را محاصره و به مردم آبادی توهین های ناشایستی نمودند. بعد از تهدید آنها و ساز دیدگان "رشید نوروزی" نام، همان اظهاراتی را که در قریبه "وله زیر" نموده بودند تکرار مینمایند. و در بازگشت رشید نوروزی را گرفته چنان او را اذیت و کتک کاری

سرمزین خویش را بصورت یک واحد "اقتصادی و فرهنگی" زنده و همگونی مبدل سازند. و بدین ترتیب آهنگ رشد همه جانبه ایران را سریعتر ساخته، اتحاد خلل ناپذیر خلقها را ممکن گردانند.
آری، اندیشه کسب سود و غارت مردم نمی گذارد بورژوازی این بدیهیات را بفهمد و او را در تارو پیود ناسیونالیسم تنگ نظرانه و ارتجاعی و بعبارت صحبتر شوونیستی، به بند کشیده است.
اما بورژوازی با این کار خود فقط بخودش نیست که خیانت میکند بلکه با اشاعه اندیشه های شوونیستی در قالب "نجات مین" و "نجات انقلاب" بخیاثت خود دامنه وسیعتری بخشیده، توده ها را نیز فاسد میگرداند. او با این کار خود خلقهای ایران را از هم جدا کرده، در مقابل هم قرار میدهد. او به توده های مردم چنین تلقین میکند که گویا خلقهایی که برای تامین حقوق ملی خود مبارزه میکنند، آلت دست اجنبی هستند و میخواهند ایسران را دچار تجزیه و انقلاب را مواجه با شکست گردانند و بدین ترتیب تخم کین و نفرت را نسبت به ملیتها و حس برتر- جویی و عظمت طلبی را در میان توده های فارس میپاشد. او خلقها را به جنگ برادر کشی می کشاند که نجات کمک به نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم، بعکس صفوف مردم را پراکنده ساخته و از پیروزی قطعی و کامل انقلاب جلو میکشد.
ما تمامی این نمودها را درسیاستها و عملکردهای دولت در طی دوران پس از سرنگونی رژیم مزدور سلطنتی شاهد بوده ایم. بورژوازی لیبرال همواره در برابر جنبشهای ملی سکوت اختیار کرده و خواسته است آنها را انکار و یواختی تخطئه نماید. و خود مختاری محدودی هم که بورژوازی لیبرال بدان تن در داده تنها در نتیجه فشار توده ها و اوج بی سابقه جنبشهای ملی بوده است.

از مطبوعات متعهد پشتیبانی کنیم!

آنچه در روز ۲۱ اردیبهشت در رابطه با اطلاعیه "دفتر امام" برای مطبوعات پیش آمد چیزی نبود جز ادامه تجاوزات مکرر قبلی به حرم آزادی، که بارها از جانب تمام نیروهای دمکرات و فدائیمیلیت نسبت به خطرات و عواقب آن تذکر و هشدار داده شده بود. هر مبارز صدیقی که در شرایط کنونی، خطر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع و اهمیت جنگی تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی و... را درک کند، بخوبی بمقام و نقش مطبوعات متعهد، در روشن سازی افکار عمومی و توضیح بررسی مسائل حیاتی توده ها آگاه است. در چنین شرایطی بوجود آوردن زمینه هایی که منجر به تخفیل مطبوعات متعهد نظیر آیدنگان گردد تنها در خدمت منافع خلق قرار نمی گیرد، بلکه دستاویز مناسبات بدست مرتجعین و تمام بداندیشان و توطئه گرانی که میکوشند با سوء استفاده از چنین موقعیتهایی و با تکیه بر ناآگاهی توده ها ضربات اصلی خود را بر بیکر دمکراسی مردمی فرود آورند. بی دلیل نیست که بلافاصله پس از اطلاعیه "دفتر امام" که در آن بنا درست و بطور غیر منطقی ترجمه یک مقاله را وسیله پهنانه جوشی قرار داده است آنچنان شرایط خفقان و اربابسی برای روزنامه های متعهد و نویسندگان مسئول آن بوجود میاید که در آن ادا م هم کار برای آن عمل ناممکن میگردد. ما ضمن محکوم نمودن چنین تجاویز به حرم آزادی و دمکراسی که با خون توده های ستم دیده ما و از راه مبارزات پیگیر آنان بدست آمده است اعلام میکنیم که بوجود آمدن چنین شرایطی زنگ خطر است برای تمام کسانی که نسبت به آزادی و استقلال مین دل میسوزانند و قبل از همه وظیفه نیروهای دمکرات و فدائیمیلیت است که در مقابله با چنین وضعیتی از مجاهدت پیگیرانه، غافل نگردند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۸ / ۲ / ۲۲

جدا و تجزیه طلبی را می طلبد. نغمه شراشی های "مبهن پرستانه" وی اساسا در جهت جدا ساختن توده های این مناطق از تمامی خلقهای ایران و فاسد ساختن آنها با ایده های ناسیونالیستی میباشد و مالا در خدمت تضعیف و پراکنده ساختن پرولتاریا و صفوف متحد خلقها و نفوذ عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم قرار میگردد. از اینرو میبایستی با بوز وازی تحت ستم بطرز دقیقی رفتار نمود، طوریکه اولاز او بعنوان یک نیروی کساملان ناپیگیر برای رشد جنبشهای ملی استفاده کرد، در عین اینکه مداوما سازشکاری، ناپیگیری، خطرسر حیا ننتخبه و اقدام در جهت جدا ساختن آنها از همدیگر را افشا و طرد نمود.

اقتدار و یکره مسئله

در این میان روش و عمل خرده بورژوازی که نقش عمده ای در سیستم حکومتی دارد در اساس و در سرفصلهای مهم آن بطور کامل منطبق بر سیاستهای بورژوازی لیبرال و در تاشید و پشتیبانی قاطع از آن بوده است. امروزه تمامی تلاشهای رهبران خرده بورژوازی صرف توجیه و تأیید سیاستهای شوونیستی دولت و دعوت مردم به پشتیبانی از آن گردیده است. اگرچه خرده بورژوازی بعلت تفاوت مواضع طبقاتی و تمایلاتش با بورژوازی لیبرال در زمینه های مختلفی موضعگیریهای را بدگالی اتخاذ میکنند ولی در این مورد خاص بعلت پندار باقی که نسبت بنقش طبقات و دولت در جامعه و ماهیت دوگانه و سازش طبقه تیش، از طرف دیگر، درست پاجای پای بورژوازی لیبرال میگردد.

۲- بورژوازی ملیتهای تحت ستم

بورژوازی ملیتهای تحت ستم بعلت عقب ماندگی اقتصادی این مناطق عمدتا بصورت بورژوازی تجاری (خرده- بورژوازی مرفه) عرض اندام میکنند. این بورژوازی برای رشد و ترقی خود احتیاج به بازار داخلی دارد و میخواهد سیاستهای شوونیستی سابق که هرگونه امکان رشدی را از آنها سلب نموده، و اقداماتشان را در جهت رشد آزاد سرمایه ملی با شکست روبرو میساخت از بین برونند. (و) او برای رسیدن چنین هدفی مجبور است از یکسو در مقابله رژیم و نیروهای سرکوبگرش قرار گیرد که در حال حاضر تحت فشار توده ها تا حدی منافعی را تامین می نماید و از سوی دیگر در مقابل فئودالها قرار میگردد که بنا به منافع طبقاتیشان میخواهند اوضاع را به روال سابق خود حفظ نمایند. برای انجام چنین کاری او ناچار است به نیروی لایزال توده ها که در این مناطق اکثر از دهقانان تشکیل میشود، رو می آورد. اما ترس بورژوازی از توده ها از یک طرف و عدم توانائیش در مبارزه با بورژوازی حاکم، او را در این امر متزلزل و ناپیگیر میسازد. از اینرو بورژوازی در مصاف ملی خود در صورت ضعف نیروهای دمکرات و پیگیر، بیادما مان فئودالها و عناصر ارتجاعی افتاده، در صف آنها قرار خواهد گرفت و با اینکه بر سر میز سازش و مصالحه با بورژوازی حاکم برای تقسیم بازار و قناعت به وضع موجود خواهد نشست. بورژوازی راس نوشتنی جز این نیست. از طرفی باید توجه داشته باشیم که ناسیونالیسم بورژوازی تحت ستم تنها در جهت ایجاد بازار داخلی و مستقل در چهارچوب حدود مرزهای ملی می باشد و بدین جهت خود مختاری بورژوازی در اساس خود

(و) - از اینرو او در اصل خواهان خود مختاری، منتها با استثنای بورژوازی است.

"به کیه تی جوتیاران مه ریوان و هورامان" *
امضاء و گواهی ۴۴ نفر از نمایندگان "به کیه تی جوتیاران مه ریوان و هورامان"

* "اتحادیه دهقانان مریوان و هورامان"
رئوسالشی روستائیان
بسمه تعالی

مبارزات حق طلبانه ملت ایران توانست رژیم طاغوتی و ضد مردمی پهلوی را سرنگون نماید ولی وابستگی ما به دولت های استعماری باقی مانده، بطوریکه مجبوریم بسیاری از نیازهای کشاورزی و صنعتی خود را از کشورهای خارجی وارد کنیم. هما نظوریکه دولت موقت جمهوری اسلامی اعلام نموده که طرحهای عمرانی را باید از روستاها آغاز نمود. بهمین دلیل ما روستائیان قریبه "نودهک" خواستهای عاجل خود را بگوش همگان می رسانیم و از دولت موقت خواستاریم هرچه زود تر در راه به انجام رساندن این خواستها با خود یاری ما اقدام لازم را معمول دارد:

- ۱- باید تمام مسائل ده در شورای دهقانی که از نمایندگان واقعی خود دهقانان تشکیل میشود حل و فصل گردد.
- ۲- مراتعی که از عوامل رژیم سابق استرداد شده متعلق به عموم روستائیان است و هیچ کس بغیر از اهالی این روستا حق تملک بر آنها را نخواهد داشت.
- ۳- پاسگاههای ژاندارمری و دیگر ادارات زیر نظر شورا باید کار کنند.
- ۴- گسترش تولید کشاورزی از طریق در اختیار گذاشتن ماشین های کشاورزی بطور رایگان و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی.
- ۵- تامین برق (با توجه باینکه خط انتقال برق از فاصله ۵۰۰ متری آبادی میگردد)
- ۶- ایجاد راه سه کیلومتری "نودهک" به جاده اسفالت
- ۷- تخفیر حمام خزینه به دوش.
- ۸- تاسیس مدرسه و کتابخانه که زمین و قسمتی از اعتبار آن تامین شده است.
- ۹- دادن وامهای دراز مدت و بی بهره به کشاورزان زیر نظر شورا جهت گسترش تولید کشاورزی.
- ۱۰- لغو کلیه مقرضهای دهقانان به شرکت های تعاونی و بانکهای کشاورزی و غیره.

از طرف اهالی قریبه "نودهک" تاکستان

مبارزه سازمان یافته خلق عمان از سال ۱۹۶۵ شروع شد دولت موقت و جنایات ارتش مزدور شاه و عمان

پس از مدت‌ها که از سقوط رژیم شاه خائن میگذرد ، در هفته گذشته هیئت از انقلابیون عمانی از ایران دیدار کوتاهی بعمل آوردند . از آمدن آنها کسی خبر نشد و تنها در چند سطر کوتاه خبر ملاقاتشان با آیت الله خمینی و سپس عزیمتشان از ایران اعلام گردید . خلق قهرمان عمان از قربانیان رژیم ضد انقلابی شاه است و سندی از جنایات ارتش شاه را که عبارت بود از یک افسر خلبان بنام علی محمد اشرفیان که برای آدمکشی به ظفار اعزام شده و در اسارت انقلابیون افتاده بود - هیئت‌عمانی با خود به ایران آوردند و آنرا به مقامات مسئول تحویل دادند . انقلابیون عمانی همواره صیقل‌تربین روابط انقلابی را با خلقهای مبارز ایران داشته‌اند و اکنون که توده های خلق ما با مبارزات دلبازانه خود توانسته‌اند کابوس رژیم شاه را نه تنها از ایران بلکه از تمامی منطقه محو کنند ، موضع مقامات رسمی کشور ما - که ادعای انقلابی بودن دارند - چیست ؟ ما اینگونه برخورد با نیروهای انقلابی منطقه را جدا از سیاستهای حاکم نمیدانیم و آنرا خلاف اهداف انقلابی توده های مستعدیده و مبارزان ارزایی کرده ادامه چنین سیاستی را شوم آرزو و زینبش به انقلاب خلقمان میدانیم و آنرا محکم میکنیم .

بهین مناسبت و در احترام و ادای دین به خلق برادر و مبارزی که در گوشه‌های دیگر از این منطقه علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کرده و همچنان سرسختانه مبارزه میکند و به منظور آنکه هموطنان مبارز ما خلق عمان و مبارزه عادلانه او را بهتر بشناسند صفحاتی از این نشریه را به انقلاب عمان اختصاص میدهیم .

۱۳۴۰) البته هدف مستقیم حفظ منافع فئرانگه نفتی و امنیت آبراههای خلیج و تنگه هرمز نیز در اینجا وجود داشت . در واقع عامل داخلی یعنی تضاد های اجتماعی و واگیرگری انقلاب از یکطرف و عامل خارجی یعنی نیازهای امپریالیستی از طرف دیگر ، این تغییرات را موجب شدند . با رژیم جدید وضع زندگی اجتماعی اندکی تغییر کرد و بتدریج مناسبات تازه ای حکمفرما گردید . یکی از هدفهای این تغییرات خشکاندن زمینه مناسبات بود که برای انقلاب در آن مرحله وجود داشت . برخی اصلاحات سطحی (مثلا فرهنگی ، بهداشتی ، ...) وغالباً در شهرها صورت گرفت ، کالاهای مصرفی رواج یافت ، کارگاه های بتدریج دایر گردید و از طرف سرمایه داران خارجی سرمایه گذارهایی در زمینه نفت و برخی صنایع مصرفی انجام شد . از سوی دیگر این "اصلاحات" با سرکوب و وحشیانه نیروهای انقلابی همراه بود .

در رابطه با تحولاتی که در رژیم عمان صورت گرفته بود ، نکته جبهه برنامه عملی جدیدی مطرح کرد و نام خود را هم به

انقلاب ایران در برابر خلق قهرمان عمان سؤال است

برای همگان پیدا شد آنرا "جبهه خلق برای آزادی خلیج عربی اشغال شده" نامیدند .

خطر انقلاب عمان برای منافع امپریالیسم و ارتجاع

در ادامه مبارزه چه در پهنه سیاسی و چه نظامی جبهه مزبور تکامل پیدا کرد و نبرد انقلابی خلق عمق و گسترش روز - افزونی یافت بطوریکه هدفهای جبهه در مبارزه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی ابعاد ثوریک و عملی مشخصتری بخود گرفت ، نیروهای بیشتری را بسوی خود جذب کرد و مبارزه مسلحانه هم از چهارچوب منطقه کوهستانی ظفار خارج شده به شهرهای داخلی عمان رسید . در آنزمان هدفهای اساسی جبهه در مبارزه با استعمار انگلیس در عمان و خلیج عبارت بود از : مبارزه با حاکمیت دست نشاندهگان استعمار انگلیس ، مبارزه با فقر و محرومیت کم - نظیر مردم ، مبارزه با جهل و عقب ماندگی ، مبارزه در راه وحدت ارض عمان که در آنزمان (و هنوز هم) در زیر سلطه رؤسای قبایل و شیخ دست نشانده دچار فقر و تجزیه بود ، مبارزه در راه رهائی خلق عمان از دایره عقب ماندگی فاحش اقتصادی ، بعنوان نمونه در برخی مناطق (مثلاً جنوب) سیستم ما قبل فئودالی شکل سلطه سیستم اقتصادی بود . عمان تنها یکی دو مدرسه ابتدایی داشت که آنهم ویژه فرزندان شیخ قبایل و وابستگان به استعمارگران انگلیس بود ، از بهداشت هیچ خبری نبود . حاکم عمان که در آن زمان سلطان سعید بن تیمور نام داشت حکم پوشیدن کفش و اصلاح سروصورت را ممنوع کرده بود . در چنین جامعه ای که در زیر تازان فقر و عقب ماندگی و ستم استعماری میدوید و تنیده شده و ثروت های طبیعی آن بختار رفته بود خلق بی اختیار و دست خالی با ابتدائی ترین وسائل به جنگ دشمنان کار کشته و رتا دندان مسلح خوشرفت .



نگاهی به تاریخچه انقلاب عمان

مبارزه رهایی بخش خلقهای ایران با مبارزات آزادیخواهانه عادلانه دیگر خلقهای منطقه ، منجمه خلق عمان ، دارای پیوندی ناگسستنی است . سالهاست که همگی با دشمن و احدی که امپریالیسم جهانی و ارتجاع محلی است در حال نبرد هستیم و خلقهای ما در ایران و عمان از دست دشمنان مشترك خود ضریب جانگاهی را تحمل کرده‌اند و نیز ضریب دردناک و تعیین کننده ای را بداناتان وارد آورده‌اند . برجسته ترین نیروی انقلابی و زرمنده ای که در آنسوی خلیج و در منتهی الیه جنوب شرقی شبه جزیره عربسی ، سالهاست که با امپریالیسم و ارتجاع فیرمزد خلق قهرمان عمان است ، رهبری مبارزات کشور و دلبازانه این خلق را جبهه خلق برای آزادی عمان بعهده دارد .

خلق زحمتکش و مستعدیده عمان که سالهای طولانی زیر بار ستم استعمار انگلیس و ارتجاع قرار داشت و انواع عقب ماندگیهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بر او تحمیل شده بود ، سرانجام در سال ۱۹۶۵ پس از آنکه قیامهای پراکنده و خود بخودی او بارها سرکوب شده بود به آغاز مبارزه مسلحانه سازمان یافته همت گماشت . نیروهای انقلابی عمان که مشاهده کرده بودند استعمار انگلیس هر بار توانسته است نطفه های مبارزه جویانه این خلق را در اولین بروز و تجلی خود خفه کند ، با استفاده از موقعیت مناسباتی که در سالهای ۵۰ و در اوایل سالهای ۶۰ در جهان عرب وجود داشت و موج مبارزات ضد استعماری از الجزایر و مصر تا یمن را فرا گرفته بود ، مبارزات خلق خوش را بشکل منگولتری سازمان داده مبارزه مسلحانه را در نهم ژوئن ۱۹۶۵ را از کوههای ظفار (منطقه جنوبی عمان) آغاز کردند . اینکار آغاز این عمل انقلابی بدست شاخه " جنبش ناسیونالیستهای عرب " که در اغلب کشورهای عربی در آن سالها بعنوان گسترده ترین جنبش آزاد یخواهانه عربی فعالیت داشت صورت گرفت . در ابتدا ایدیل گرایش های تنگ نظرانای که در برخی از مبارزین اولیه وجود داشت "جبهه آزاد بخش ظفار" نامیده شد که سه سال بعد یعنی ۱۹۶۸ با توجه به پیشش عیقتری که نسبت به مبارزه رهایی بخش در کل منطقه خلیج

"جبهه خلق برای آزادی عمان" تغییر داد . دشمن بمنظور مبارزه با انقلاب و سرکوب آن از یکطرف - همانطور که اشاره کردیم - به یک سری اقدامات اصلاح طلبانه نسی دست زد و از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی هم آنطور که شیوه همه مرتجعین است کوشید با مارک کمونیست بودن و بی خدا بودن ، مردم بیخبر و ناآگاه را نسبت به اهداف انقلابیون بدگمان نماید و از طرف دیگر تهاجم نظامی شدید علیه نیروهای انقلاب بویژه در منطقه جنوبی عمان (ظفار) آغاز گردید .

ارتش شاه چه فحاشی در عمان بار آورد؟

در این تهاجم نظامی که بتدریج گسترده تر و وحشیانه تر گردید غیر از ارتش استعماری انگلیس ، مزدوران ارتش قابوس ، ارتش شاه خائن و نیز گردانهای ارتش ضد خلقی اردن نیز شرکت داشتند . سهم ارتش شاه در این میان از بقیه بازتر بود . شاه در چهارچوب استراتژی آسیایی تیکسون نقش ژاندارم امپریالیسم در خلیج و منطقه را عهده دار شده بود . ده ها هزار تن از افراد ارتش ایران (از نیروهای هواسی ، دریایی و زمینی) به عمان (ظفار) گسیل شدند تا در قتل و کشتار و بیماریان خلقی برادر ، سهم مهم را ایفا کنند و کردند . ارتش شاه ابتدا مخفیانه و بی سروصدا و بعد ها که قضیه افشاء شد با فرور و گردنکشی های دیوانه وار نه تنها به اشغال جزایر سه گانه ، تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی ، پرداخت بلکه در آنسوی خلیج نیز پیاده کرد و همدست بسا دیگر اعمال امپریالیسم به کشتار خلقی پرداخت که جز آرای دی خود از شر استعمار و عقب ماندگی و فقر و محرومیت ، چیزی دیگر نیخواست . روستاهای بی پناه زحمتکشان عمانی و زنان و کودکان آنها در زیر بمبهای پانام ارتش شاه سوختند ، کشتارها به آتش کشیده شد حتی دامها و چهارپایان نیز بمباران شدند . نایچه های ارتش شاه از راه دریایاگاههای انقلابیون عمانی را بتوپ می بستند حتی روستاهای مرزی بمن دمکراتیک نیز در ارمان نماند و خلق مبارزین نیز در این میان کشته ها داد . هواپیماهای ارتش تجاوزگر شاه بارها بر فراز خاک یمن دمکراتیک پروازهای اکتشافی انجام دادند تا انقلابیون عمانی رژیم مرده یمن را که پشتیبان آنان است به تسلیم وادارند اما با مقاومت سرسختانه مبارزین عمانی و یعنی به هدفهای خود نرسیدند . ارتش شاه از سال ۵۳ و بعد از حمله وسیع و وحشیانه پائیز ۵۴ هم تا زمان سقوط رژیم شاه در عمان ماند و وجه جنایتها که نکرد .

چرا دولت موقت در مقابل جنایات شاه و عمان سکوت میکند؟

اینکه اینهمه جنایات ارتش شاه از سوی چه نیروهای بطور مدام افشاء و محکم شده و از سوی چه نیروهای بازم مدام بسکوت (رضایت آمیز ؟) برگزار شده است احتیاج بتوضیح ندارد . انقلابیون ایران با مشارکت عملی خود (هرچند سمبولیک) برادری خلقهای ایران و عمان را ثابت کردند و در آنجا شهید دادند و در نقطه مقابل ، مرتجعین هنوز هم مواضع گذشته شان را نفی نکرده‌اند . درد آور است که حتی پس از سقوط شاه ، پس از روی کار آمدن به اصطلاح دولت موقت انقلابی همچنان نسبت بمبارزه عادلانه این خلق قهرمان در تنها بی اعتنائی میشود ، بلکه اقدامات ضد انقلابی گذشته با چنین موضعگیریهایی مورد تایید قرار میگیرد . برای ورود و

گردد هم آئی انجمنهای باصطلاح اسلامی از مالزی و اندونزی و ... که واقعا معلم نیست سرشان یکجا بند است و دارای روابط نزدیک با کاسا نی مثل شاه سعودی هستند - چقدر گرد و خاک و مصاحبه رادپولونیونی راه یافته ، اما عقب نشینی اجباری ارتش ایران از عمن طی یک بیانیه چند خطی آنهم برای خالی نبودن عریضه با اطلاع مردم میرسد ، و از آنهمه فجایعی که طی چند سال بنام ایران عملی شده است ، حتی یوزبی هم از خلق عمان خواسته نمیشود و از کسانیکه عامل این جنایتها بوده اند ، مواخذه و محاکمهای بعمل نمیآید و بروند ه آن جنایتها افشانی میشود ، حتی شنیده شده است که شخصی به نام سرتیپ آذری که در سال ۵۳ سرهنگ بوده و یکی از فرماندهان هان ارتش در مظان بوده است ، هم اکنون یکی از فرماندهان انقلابی پادگان خم آباد است .

آیا باید نتیجه گرفت که آن جنایتها که علیه خلقی ستم دیده و برادرانجام شده مورد تایید است ؟!

ایران انقلابی است و این انقلاب را با سلاح و خون میسازد



و یا مثال دیگر:

برای سا زمانی مثل "امل" که در لبنان و در طول جنگ داخلی چند ساله آن ، به شهادت هر کسی که از لبنان چپیزی میداند ، اصلا بحسام نیاید ، و موضعگیری آن بنفع تجاوز سوریه به لبنان و سرکوب مقاومت فلسطین (در ۱۳۵۵) معروف خاص و عام است ، بدلالی که نامعلم نیست ، هر روز سروصدا و تبلیغات سراپا واقعا دروغ و قبحخانه و نظا هرات صورت میگردد ، اما بادوسن انقلاب مسلحانه تودهای منطقه خاورمیانه (پس از فلسطین) ، یعنی انقلاب مسلحانه خلق عمان اینقدر با بی توجهی برخورد میکنند . آیا این است خواست توده های خلق ما ؟ توده های خلق و نیروهای انقلابی آن که از ایتدای امر در حالت تجاوزگرانه ارتش شاه در عمان (ظفار) را محکوم نمود هاند ، و خود را با انقلاب و انقلابیون این خلق زحمتکش و قهرمان دارای پیوندی ارگانیک مند اند ، از خود میپرسند واقعا چرا ؟ چرا موضع دولت پس از انقلاب در رابطه با خلق تغییر چندانی با مواضع رژیم پیش از انقلاب ندارد ؟

انقلاب عمان که در سال ۵۴ در نتیجه تهاجم وحشیانه ضد انقلاب از منطقه ظفار عقب نشینی کرد ، برای مقابله با عوامل رض سوء ناشی از این صریات ، چند در زمینه تشکیلاتی و چند در زمینه اجتماعی و توده های و برنامه خود سازی مرحله ای را بدون نمود ، و فعالیت خود را نهر شمار ؛

برای بازسازی مجدد خود از لحاظ فکری ، سیاسی و نظامی و ادامه جنگ انقلابی و مبارزه کیهن -

آغاز کرد .

در باره این دوره بازسازی که برای خود تحارب و رهنمود های گرانبهای داشت ، و نیز مواضع قابل جبهه خلق برای آزادی عمان ، در شماره آینده ، ترجمه مصاحبه ای را که مجلسه الهد ف ، ارگان جبهه خلق سرای آزادی فلسطین ، با دبیر کل جبهه عمان ترتیب داده ، خواهیم آورد . هم چنین در ترشهای دیگر ، دستاوردهای انقلاب عمان از در زمینه های سیاسی ، اجتماعی و حقوق زنان ، آموزش بهداشت و ... به اطلاع خلقهای قهرمان خودمان خواهیم رساند .

۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی است . روزی بنام آن دلبران نستوه که در سیاهچالهای زندان نیز دست از مبارزه نکشیدند . روزی بنام آنان که در زندانهای تاریک و نمور با مقاومت و ایمن و امید خود به سوی روشنی نقب زدند و صبح آزادی را در دل خویش نقش بستند که در آن نتنها در صبح زندان کوچکشان شکسته شود بلکه زندان بزرگی که ملتی در آن اسیر است منهدم گردد ، و در یک کلام ۲۱ اردیبهشت روزی است بنام خسرو روزیه فرزند گرامی خلق که سبیل عز آهین ستمدینگان برای گسستن زنجیرهای ستم و تهنه مقاومت و صلاد بست زحمتکشان در برابر دشمنان طبقاتیشان بود .

رژیم دست نشانده ، پهلوی طی سالها حکومت ننگین خود مینداشت که با اسیر مبارزان راه را بر امید و مقاومت انسان می بندد که آنها را تسلیم میکند و میپساند اما همه این پندارها و رویا ها نقش بر آب گشت که این حکم تاریخ بود . زندانیان با قویاد خشم خود به رژیمتدگان آزادی که خارج از حصار مبارزه میکردند توان و روح میبخشیدند . زندانیان در این سالهای سیاه خود به پرچی که خلق آنرا چون سندی بر محکومیت رژیم در برابر او بر میافراشت ، تبدیل شده بودند . رژیم میخواست که زندان گورستان اندیشه ها و مبارزان دلیر باشد اما بسه مدرسه انقلاب تبدیل شد و در آن فولادها آبدیده گشت !

زندانیان سیاسی ایران مغانی پس از حرمند در تاریخ مبارزاتی خلق های دلاور ما دارا هستند . آنان با ایمن و ایستد پایمردی خود بارها حتی جلادان دژخیم را به حیرت واداشته ، شکنجه های جسمی و روحی ، توهین ها و جنگ اعصابها در عزم جزم مبارزه این دلبران کارگر نبود . در زندان آنجا که همه عوامل محیط زندانیان را به خاموشی و مرگ تهدید میکرد ، بیشترین و عالیترین تلاش برای دست یافتن به نور و زندگی ، برآ خود سازی و آمادگی هر چه بیشتر برای ادامه نبرد به چشم میخورد . هر زندانی مبارز و مقام خود مشعلی بود که اندیشه مبارزه را حد اقل در خانه خوششان و دوستان زنده نگه میداشت .

نقشی که زندانیان در اداممکاری انقلاب ، در پیروزی انقلاب عظیم خلق های ما ایفا کردند در تاریخ میهن ما فراموش نشدنی است . این عزیزان ، این گردان میدان مقاومت و پایداری ، این قهرمانان هرگز از شکنجه و هزاران زجر دیگر نهراسیدند و رفیقان بند را که بسوی جوخه های اعدام برده میشدند با لبهای داغدار و پیمانهای پولادین مبنی بر ادامه راه ، نبرده کردند . آنان برادران و رفیقان خوشش را دیدند که در زیر شکنجه جلادان در سکوت جان می سپردند اما در اراده شان تزلزل پیش نیامد . آنان گهگاه آیه های یاس ، قریبها و وارفتگیها و خیانتها را از طرف برخی ستمعصران هم میدیدند ولی باز هرگز در اصالت راه خود در مبارزه بی امان علیه رژیم در حتمیت پیروزی نهایی خلق اندکی شک را نداشتند . ارزش ایشان برای همیشه در دل توده ها زنده و جاوید است . یاد مقاومتی که این قهرمانان در برابر رژیم وابسته باجریالیسم شاه در برابر دشمنیهای ارتجاع و در راه پیروزی انقلاب از خود نشان دادند همواره گرامی است یاد خسرو روزیه ها ، صفر قهرمانیها ، آیت الله سعید یها ، بدیع زادگانها ، همایون کتیرا ها ، محمد رضا خوندی ها ، جمشیدی رود باری ها و خسرو گلگسری ها ، و ... برای همیشه بر تارک افتخارات خلق های مبارز ما در سالهای اخیر میبدرخشد . انقلاب خلق درهای زندانها را شکست و عزیزان را به آغوش ملت بازگرداند اما مایه تأسف است که درهای زندان باز نرسید دیگر گشوده شود و ده ها تن از مبارزین راه ستمدیدگان را که جوشان وابستگی به چریکهای فدائی خلق است در حصار خود نگه دارد . توده های میپرسند واقعا چرا ؟ توده ها به اینگونه اقدامات که بنام مقدس انقلاب صورت میگیرد دشمنان اعتراض دارند و آنرا محکم می کنند . روزی که حتی یکفر از مبارزان دمکرات و ضد امپریالیست دچار نقصان و زندان باشد آرزوی دشمن خلق و ضد انقلاب شاد است برای آنکه روزگار سیاه گذشته تکرار نشود . برای آنکه دیگر زندانیان سیاسی نداشته باشیم به مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خود ، تا پیروزی نهایی ادامه دهیم .

توطئه شوم تقسیم فلسطین از سوی امپریالیست ها و صهیونیستها را محکوم کنیم !

هم میبایگان مبارزان

۲۵ اردیبهشت (۱۵ ماه مه) مصادف با سی و یکم سالگرد تقسیم فلسطین است . در این روز در سال ۱۹۴۸ توطئه امپریالیستی شومی که علیه خلق قهرمان فلسطین ، بوسیله استعمارگران انگلیسی از سال ۱۹۱۷ تدارک دیده شده بود ، بمرحله اجرا درآمد .

امپریالیسم خونخوار جهانی که برای حفظ منافع غارتگرانه خود پایگاهی را در این منطقه جستجو میکرد ، سرانجام تا همدستی صهیونیستها ، نژادپرست و ارتجاع محلی ، زخم جانکاه را در قلب سرزمین عرب پدید آورد و بهای تجاو و غضب سرزمین ملی خلق فلسطین و کشتار و آواره کردن صدها هزارتن از مردم آن ، دولت غاصب و تجاو و زگرو توسعه طلب اسرائیل را پدید آورد .

بدین مناسبت و بمنظور محکوم کردن توطئه های امپریالیسم جهانی که امروز نیز در فلسطین و دیگر کشورهای منطقه از جمله ایران ، همچنان ادامه دارد ، و بمنظور ابراز همبستگی برادرانه خود با خلق قهرمان فلسطین و دیگر خلقهای عرب ، از کلیه کارگران ، زحمتکشان ، نیروهای انقلابی ، دمکرات و مترقی ، دعوت میکنیم که در ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ، در زمین چمن دانشگاه تهران اجتماع کرده و در راهپیمائی بسمت دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین (خیابان فلسطین شمالی) شرکت نمایند .

سنتحکم باد پیوند رزمنده خلقهای ایران و فلسطین

کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزان راه طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - کارگران مبارز - اتحاد مبارزه در راه آزادی ایران - اتحادیه کمونیستهای ایران (بخش داخل) - اتحادیه کمونیستهای ایران - مبارزین آزادی طبقه کارگر - رزمندگان آزادی طبقه کارگر - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دولت های ارتجاعی و فاشیستی چون عراق ، در مجامع عربی ، جنبش ایران را یک جنبش وابستگار و ارتجاعی معرفی مینمود و بر علیه شخص آیت الله خمینی بسیار تبلیغ میکرد ، هر چند از دفاع از انقلاب ایران بود .

بنابراین ، دولت لیبی (و نیز خلق ایران) انتظار داشت که نمایندگانشان با آغوش باز و استقبال گرم مقامات ایرانی روبرو شود ، لکن همانطور که دیدیم چنین نشد . اما مهم این نیست که چرا ایران با لیبی رابطه سیاسی برقرار نکرد ، بلکه مهم اینست که عملکرد دولت در زمینه روابط خارجی فقط ، به برخورد اینگونه با لیبی منحصر نمیشود . نیروهای آگاه و مبارز و هر آنکس که دل در گروی عشق میهن و توده های زحمتکش دارد نمیتواند روابط گسرو دوستانه دولت ایران را با دولت های ارتجاعی نظیر پاکستان ، ترش خطرناکی را در مقابله با امپریالیسم و بیژنه امپریالیسم آمریکا و عدم لغو قرارداد ادهای خانمان براندازو خائنانه با آنان ، ... را از یکسو عدم استقبال از برقراری رابطه با دولتهای مترقی که ایران با آنها رابطه ندارد و عدم کوشش در استحکام روابط خود با دولتهای مترقی خواه و عدم پشتیبانی مادی و معنوی مورد نظر توده های خلق نسبت به جنبشهای آزادیبخش ۰۰۰ را از سوی نگمشاهده ، ...

جلود رفت ...

هیئت لیبیائی بریاست سرگرد عبد السلام جلود (مرد شماره ۲ لیبی) سرانجام در روز ۱۶ اردیبهشت ، بدون اخذ نتیجه از سفر طولانی خود بایران ، عمان کشورش شد . او موفق نشد باب روابط سیاسی لیبی و ایران را بگشاید . با توجه به مواضع ضد امپریالیستی لیبی و حمایتش از خلق ایران ، زمینه برقراری مناسبات نزدیک و برادرانه بین دو کشور کاملا مهیا بود . ولی ایران ، مظاهرا بخاطر مساله کم شدن موسی صدر و انتقاماتی که در این باره به لیبی زده میشود ، باوری ترش و ابروان درهم از او " استقبال کرد " . در حالیکه هیئت لیبیائی شایستگی آنرا نداشت که بگری و برادرانه از او استقبال شود .

دولت لیبی از جمله دولت های سیاسی معدودی بود مانسند جمهوری دموکراتیک خلق چین که از مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در مقابله با رژیم سفاک شاه ، از دیرباز دفاع کرده بود . و در سطح داخلی و در پهنه مجامع عربی و بین المللی با اتخاذ مواضع انقلابی بیاری خلق ایران شتافته بود . لیبی ، آنحاکمه

سنگی که روی یونیستهای بلند می کنند روی پای خودشان خواهد افتاد

چندی پیش، نشریه "مردم" ارگان رویونیستهای حزب توده، در شماره چهارم خود سالانه سیاست فرصت طلبانه خویش را در قبال دولت و قدرت سیاسی حاکم و سیاست توطئه گرانه خود را در قبال جنبش کمونیستی عربان نموده و درهم آمیختن قدرتی در میان انبوهی از شیعات و جنگ تبلیغاتی که آگاهانه از سوی همان دستگاه بین المللی که الهام بخش سیاست زانی چون رهبران حزب توده است انتشار یافته، در کمال وقاحت مورد بهره برداری آنها قرار میگردد. اتهام پلیدی که به سازمانها و گروهها و تمام کسانی که با مرزبندی با رویونیسم و سازش طبقاتی، جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم را محتوای فعالیت انقلابی سی خود قرار داده اند، هدف معینی را از سوی گردانندگان نشریه "مردم" دنبال میکند. رهبری ۳۸ ساله این حزب با اختراع واژه "من درآوردی" مائوئیسم و تخطئه مبارزات ضد رویونیستی که از سوی انقلابیون بزرگ مارکسیست - لنینیست و از جمله مائوئیسم دون پیگیری شده است میکوشند تا با استفاده از اخبار جعلی سازمانهای جاسوسی که در مراجع مشکوکی چون "الکفاح العربی" انتشار مباد، البته تیزجملات ضد کمونیستی را تیزتر نماید.

تفسیر فرصت طلبانه ای که گردانندگان نشریه "مردم" از اظهار نظرهای شخصیتهای با نفوذ و با اعتباری چون آیت الله خمینی مینمایند در واقع تائیدی است مجدد بر این واقعیت که آن سه این الوقت فاقد هرگونه اصول و قاعده مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک میباشد.

کمونیستهای ایران با مرزبندی روشن و قاطع با رویونیسم معا صریحا حرکت و تکیه بر منافذ در مسدود انقلاب توده های مردم نشان داده اند که با دستجات دشمنانه و سردمداران وابسته ای چون رهبری حزب توده تفاوت کیفی و ماهوی دارند. اتهام وابستگی و همکاری با سازمانهای جاسوسی زبینه آن کسانی است که با پشت نمودن به انقلاب و فعالیتهای انقلابی در شرایط سخت رژیم ترور و اختلافا لیهادینا رویونیستهای بین المللی درس اطاعت و سرسپردگی آموختند. کارنامه افرادی چون کنیا توری و باندوفادار او در این میان از همه ساه تراست. کمونیستها که نشریه "مردم" تحت عنوان اختراعی "مائوئیستها" از آنها نام میبرد هطن گونه که مدت ها سیاست تجاوزکارانه شوروی امپریالیستی را محکوم نموده اند سیاستهای نوین رویونیستی هرکتور دیگری از جمله جین را محکوم نموده و کماکان بر علیه سازشکاری طبقاتی در سطح بسن - المللی و مخدوش نمودن انقلاب ایران مقاومت مینمایند.

آیا گردانندگان مغرض حزب توده نیز شهادت چنین کاری را دارند؟ پاسخ سالیهاست که در تاریخ ثبت شده است. از تائید باصطلاح "اصلاحات" شاه گرفته تا تائید فروش اسلحه روسی به رژیم ترور و اختلاق، و از سکوت در مقابل نفوذ ساواک در تشکیلات خود این حزب گرفته تا دعوت از عناصر باصطلاح "واقع بین" هبات حاکمه در یک جنبه واحد باصطلاح "فدویکتا توری" و از تخطئه قیام ۱۵ خرداد گرفته تا قیام آسفند ماه ۵۶ تبریز، ... پاسخ منفی است. اما این تنها مانع نیستیم که قضاوت نهائی را خواهیم کرد، این توده های مردم و در رأس آنها طبقه کارگر است که پاسخ نهائی را خواهند داد. تفسیرهای فرصت طلبانه از گفتارهای شخصیتها و سوء استفاده از جریانات ضد کارگری و ضد کمونیستی در براکنگختن هرچه بیشتر اتهام علیه کمونیستها به هیزم بیاران آتش نفاق و شکاف در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی کمسک چندانی نخواهد کرد.

ما ضمن محکوم کردن اتهام واهی و "فغانه گردانندگان نشریه سراپا تحریف "مردم" که به نیروهای مارکسیست - لنینیست از جمله "سازمان پیکار در رویونیسم" اتهامی طبقه کارگر" وارد شده است به کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات و ترقی خواه در مقابل توطئه های که در پس جنبش اتعاقات و فرصت طلبی های چاپلوسانه نسبت به شخصیتهای "کلف نهفته است هشدار میدهیم و آنها را کوششهای مذبحانای بمنظور ایجاد زمینه نفوذ و جای پای برای اربابان نشان میدانیم.

کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزان راه طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - کارگران مبارز - اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر - گروه نبرد برای راهی طبقه کارگر - کمیته نبرد - بیوند - اتحادیه کمونیستهای ایران (بخش داخل) - اتحادیه کمونیستهای ایران - مبارزین آزادی طبقه کارگر - رزمندگان آزادی طبقه کارگر - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۱۳۵۸ / ۲ / ۱۲

حتی يك نام...؟!؟

"شورای نامگذاری، خیابان میکده را به خیابان دهکده تغییر نام داد... " آیدسگان ۲۰ اردیبهشت

انحصار طلب مرزی نمی شناسد. انحصار طلب از آنجا که کوتاه بین نیز هست، جز خودش چشم دیدن هیچکس را ندارد. همه و هر چیز را تنها به نام و به کام خود میخواهد. انحصار طلب منطق سرش نمیشود و از عقل بدور است و در یک کلام کور. انحصار طلب میکوشد عطن سیری نا پذیرش را در شما می عرصه ها جاری کند. انحصار طلب در عین حال ترسو هم هست و از هر آنچه نشانی آزا و ندارد وحشت دارد. و چنین است که "خیابان میکده" که "خیابان فدائی" است، "خیابان دهکده" میشود. چرا که حتی نام فدائی سر دهن کورش سنگینی دارد، اگر چه به دیوار خیابان کوچکی هم باشد.



گرامی باد خاطره رفیق شهید
مصطفی آفریده
(موسی)

روز ۲۴ اردیبهشت ماه مصداق است با سالروز شهادت رفیق شهید مصطفی. خاطره این رفیق را که در سیاهترین روزهای دیکتاتوری سبعا نه شاه بادر راه انقلاب خلق نهاد، و خون پاکش نهال انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ما را آبیاری کرد، گرامی میداریم.

رفیق فارغ التحصیل انستیتو نقشه برداری تبریز بود. او فعالیت مبارزاتی خود را در شکل تشکیلاتی از سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز کرد. رفیق در آغاز بحور سمیا - نیزان سازمان از هرگونه کمک مالی و دیگر امکانات لازم بخی نمیکرد. پس از مدتی فعالیت، رفیق بصورت کادر حرفه ای فعالیت مبارزاتی خود را ادامه داد، و بدین ترتیب تم توان خود را در خدمت خلق گذاشت و بطور روز مره بسازد و رنج کارگران آشنا میشد و در جهت شکل و آگاهی دادن به کارگران تلاش میکرد. او با صهربانی و صمیمیت خاصی که داشت دوستان بسیاری در میان کارگران پیدا کرده بود که علاقه وافری بوی داشتند.

رفیق در روز ۲۴ اردیبهشت ماه ۵۶ در برخورد خیابانی با عناصر مزدور اکیپ های کمته (باصطلاح ضد رابکاری) دستگیر شد. رفیق هنگام دستگیری مسلح نبود و با احتمال زیاد در زیر شکنجه دشمن شهید شده است.

"یادهمه" شهیدان راه آزادی و استقلال
میهن سان گرامی بسازد"

گرامی باد خاطره شهیدای دانشگاه تبریز

بمناسبت بزرگداشت سالروز شهادت دو نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز، رفقای شهید، داود میرزائی و محمد غلامی که در جریان انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ما در روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۵۷ به شهادت رسیدند مراسمی از طرف دانشجویان در محوطه دانشگاه برگزار شد، در این مراسم گروه زیادی از مردم مبارز تبریز شرکت داشتند. ما خاطره این شهدا را که خون سرخشان نهال انقلاب را آبیاری کرد، گرامی میداریم.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران

"امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران محسوب میشود" این سخن آیت الله خمینی است در مصاحبه شان با روزنامه لوموند. ناگفته نماند اشان بر مبارزه با امپریالیسم آمریکا منشاءه "بزرگترین خطر"ی که ایران را تهدید میکند و همدارشان به مردم داور سمرخرف شدن از مبارزه ضد امپریالیستی، امشاکر کسانی است که آگاهانه و حاشانه میکوشد جهت ضد امپریالیسمی مبارزه خلق ما را منحرف کند و خود را با نشان از این احسراف و هرز روی سروها بهره سربد (اسکه دسمن اساسی خلق های ما امپریالیسم جهانوار آمریکا است موضوعی است که همه روزه از طرف نیروهای انقلابی و راستین مورد تائید و یافشاری قرار میگیرد.) و سلگان، مزدوران امپریالیسم و سایر مانده های ساواک و رژیم سابق ناندندانند

به یاد حمله میگردد، منبعت از همین شناخت عسنا و است و بهمین جهت هم خلقی ایران و نمایندگان واقعی هرگز از امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها انتظارس ندارند که سر لطف آمده و برای بهبود روابط ایران قدم پیش گذارند، انطور که آقای یزدی آرزو دارد و اسراز میکند. او میگوید: "دولت آمریکا است که باید در جهت بهبود روابط بین ایران و آمریکا قدم اول را بردارد و تغییر سیاست بدهد". آقای یزدی، مگر جز اینست که سیاست امپریالیستی به هر شکلی که در آید، بهر حال یک سیاست امپریالیستی و تجاوزگرا نه است؟ پس شما چه انتظاری از امپریالیسم آمریکا داور بر تغییر سیاست آن دارید؟ ("تغییر سیاستی" که سادات آدمی سالیها بدنبالش بود و سرانجام دیدیم که بجا کشید) و اما اینکه شما انتظار دارید که امپریالیسم آمریکا "قدم اول" را بردارد، بهیچ رو با اقدامات عملی شما نمی خواند. و انطور که همه تا کنون شاهد بوده اند، این وزارت امور خارجه ایران (که اکنون شما در رأس آن هستید) بوده است که از "قدم اول" بلکه قدمهای بسیاری را بسوی آمریکا برداشته است، قدمهایی که هر کدام ضربات جبران ناپذیری به تمامی خلقهای مبارز و رنج دیده ایران وارد میسازد. قدمهایی چون لغو نکردن قرارداد های اسارت بار بین ایران و آمریکا، قدمهایی چون عدم افشای اسرار جاسوسی جنایتکاران آمریکائی در ایران بر علیه خلقهای میهنمان و دیگر خلقهای منطقه قدمهایی چون افشا نکردن اسناد رشوه خوری افشای کتوره آمریکا و اسناد رسواگری دیگری که در سفارت ایران در آمریکا بدست آمده و ...

که توده های مبارز خلق ما، تسلیم توطئه های زورافرو و گویاگون آنان نخواهد شد، و ناگورسردن آهوا مطع نمودن ارسان امپریالیسمان مبارزه برحمانه و اطع - به خود را بر علیه هرگونه سم و اسگای دامه خواهد داد

خطرات ایران، امپریالیسم آمریکا و دکتر یزدی

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت، در مصاحبه ای با خبرنگار مجله آمریکائی تایم گفته است: "جنش ضد آمریکائی که فعلا در تهران بچشم مسخورداز بسیاری جهات و عمدتاً ناشی از روابط حسنه و نزدیکی اسکه واشنگتن با اسرائیل دارد".

اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که اولاً: جنبش ضد امپریالیسم آمریکا (با قبول آقای یزدی جنبش ضد آمریکائی) تمام کشور ایران را در بر میگیرد و منحصر به تهران نمیشود. ثانیا: مبارزه خلق ما بر علیه امپریالیسم آمریکا نه صرفاً بطاظر همدردی و سرنوشت مشترکشان با خلق قهرمان فلسطین و در مقابله با صهیون - نیسم میباشد، بلکه از آن فراتر است که توده های خلقی در تمام زمینه های زندگی حضور شوم و نازدارنده امپریالیسم و حوصا امپریالیسم آمریکا را لمس میکنند و فقرو عقب ماندگی خود را ندرستی در نفوذ آن در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود می بینند. و هسمن دلیل هم کمر همت به بیرون راندن امپریالیسم از ایران بسته اند (سرنوشتی رژیم شاه خاش اولیسن قدم بود) و اگر هم به همدردی و حمایت از خلق قهرمان فلسطین می شناید و حامیان امپریالیست را